

## همشهریان گرامی!

عزیزی بانک افتخار دارد که به سلسله نو آوری های پیم در عرصه بانکداری اینبار محصول جدید خویش را با ویژگی های خاص به شما معرفی میکند. حساب ویژه برای شرکت ها، حساب پس انداز برای بزرگسالان، حساب پس انداز برای کودکان؛ عزیزی بانک تنها بانک است که در تمام سنین و موقعیت های شغلی به شما می اندیشد.



www.azizibank.af

1515

## کابل:

## اسلام آباد به کار مشترک تعهد سپرد



که علیه تروریست‌های ضد پاکستانی اقدام کند. او هنگام ورود این هیأت به کابل نوشت انتظار می‌رود که این سفر باعث استحکام بیشتر روابط با افغانستان شود. سفر این هیأت در حالی است که چهارشنبه هفته گذشته رئیس عمومی امنیت ملی و وزیر داخله افغانستان به پاکستان رفتند. این مقام‌ها پس از سفر پاکستان در نشست خبری در کابل گفتند، اسناد و مدارک غیرقابل انکار در مورد پناهگاه‌های هراس‌افکنان، حضور رهبران طالبان در پاکستان را با مقام‌های ارشد این کشور شریک کرده‌اند.

خبری گفت که مقامات پاکستان تعهد سپرده‌اند که در پیوند به اسناد و مدارک حملات اخیر در کابل حاضر به بررسی و کار مشترک هستند. دولت افغانستان مدعی است که حملات اخیر در خاک پاکستان سازمان‌دهی شده است. اما محمد فیصل، سخنگوی وزارت خارجه پاکستان در صفحه‌ی توئیتر خود نوشته است که هیأت پاکستانی در این نشست بر نیاز برای تقویت مدیریت مرزی در طرف افغانستان تأکید کرد. آقای فیصل افزوده که هیأت پاکستان هم‌چنان دولت افغانستان را تشویق کرد

مقام‌های سیاسی و نظامی افغانستان و پاکستان دیروز (شنبه) پشت درهای بسته در کابل دیدار و ملاقات کردند. یک هیأت پاکستان به ریاست تمینه جنجوا معین وزارت خارجه پاکستان و یک جنرال چهارستاره‌ی آی‌اس‌آی دیروز به کابل آمد. وزارت خارجه افغانستان می‌گوید که هیأت افغانستان خواستار اقدامات عملی پاکستان در زمینه پیشنهادها و خواست‌های رئیس امنیت ملی و وزیر داخله در سفرشان به پاکستان، شده‌اند. احمد شکیب مستغنی، سخنگوی وزارت خارجه افغانستان، دیروز در یک نشست

## امریکا:

## پاکستان با پناهگاه‌های تروریستان برخورد کند



معاون وزیر امور خارجه امریکا در اظهاراتی درخصوص سفر اخیرش به افغانستان به خبرنگاران گفت، همه گروه‌های شبه‌نظامی در افغانستان به جز گروه طالبان آماده پیوستن به فرایند صلح هستند و حملات تروریستی ادامه دار طالبان علیه غیرنظامیان در افغانستان نشان می‌دهد آنها تمایلی برای کنار گذاشتن خشونت ندارند. به گزارش خبرگزاری رویترز، جان جی. سالیوان، معاون وزیر امور خارجه امریکا به خبرنگاران گفت: راهبرد امریکا برای جنوب آسیا تمرکزش بر این بوده که گروه شبه‌نظامی طالبان را تحت فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی قرار دهد تا این گروه نهایتاً به فرایند صلح افغانستان بپیوندد. سالیوان خاطر نشان کرد: امریکا کاملاً به حمایت از مردم افغانستان تلاش‌های دولتشان برای دستیابی به صلح، امنیت و موفقیت در این کشور پایبند است. او ادامه داد: من زمانی که در کابل بودم فرصت دیدار با اشرف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان را به همراه عبدالله عبدالله، رئیس اجرائی، صلاح‌الدین ربانی، وزیر امور خارجه و دیگر مقام‌های دولت این کشور پیدا کردم. وی افزود: در هر یک از این دیدارهای من رهبران افغانستان خطاب به من تصریح کردند که دولت افغانستان به رغم وقایع غم‌انگیز اخیر همچنان به تلاش‌هایش ادامه خواهد داد تا شرایط لازم برای آوردن طالبان به پای میز مذاکره، ایجاد یک محیط مناسب برای صلح پایدار فراهم شود. حملات تفر برانگیز اخیر طالبان علیه غیرنظامیان بی‌گناه نشان می‌دهد که آنها حاضر نیستند با حسن نیت به مذاکرات صلح وارد شوند. او همچنین گفت: امریکا خواهان آن است که پاکستان پناهگاه‌های امن تروریست‌ها را در خاک خود از بین ببرد تا درگیری‌ها در افغانستان متوقف شود. سالیوان گفت: ما به دولت پاکستان تصریح کردیم که از آنها توقع داریم علیه تروریست‌هایی که در این کشور پناهگاه دارند برخورد کنند تا به موجب آن از شدت فشارها و تهدید به خشونت در افغانستان کاسته شده و از یک صلح پایدار و مداوم در افغانستان و منطقه حمایت شود. در عین حال دانا وایت، سخنگوی پنتاگون نیز گفت: مقام‌های امریکا از اسلام آباد می‌خواهد که در تلاش‌های مبارزه با تروریسم به رغم آنکه از گروه‌های تروریستی حمایت کرده به امریکا بپیوندد. وایت خاطر نشان کرد: ما دفعات زیادی گفته‌ایم که پاکستان این شانس را دارد. این کشور قربانی تروریسم بوده و از تروریسم حمایت کرده است و ما از پاکستان انتظار داریم که فعالانه به تلاش‌های مبارزه با تروریسم بپیوندد. آنها می‌توانند کارهایی که ما انتظار انجامش را از آنها داریم در راستای مبارزه با تروریسم انجام دهند. طی روزهای اخیر کاخ سفید اعلام کرده دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا منابع و اختیارات بیشتری در اختیار فرماندهان نظامی امریکا گذاشته تا آنها با استفاده از آنها پناهگاه‌های تروریست‌ها در افغانستان و پاکستان را هدف قرار دهند.



همه به ستوه آمده‌اند



وعده‌هایی که در حد «گپ» می‌ماند

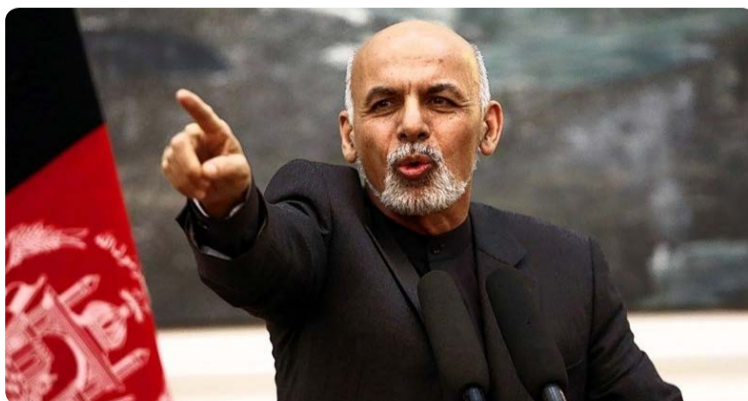


ماه عسل رابطه امریکا با پاکستان پایان یافته است؟

جرائم جنگی در افغانستان روی میز دادگاه کیفری بین‌المللی

## غنی به طالبان صلح ناپذیر:

## از سوراخ می کشیم تان!



صلح کمایی کنیم؛ جنگ را از خاطر آنها بی‌کنیم؛ به این عمل شیع دست دارند غیر از این راهی نیست و صلح به خطری که خواست ملت است به پیش می‌بریم. آقای غنی گفت که وقت طالبان و حامیان آن به پایان رسیده است؛ بنا، ۲۴ روز بعد کنفرانس دوم کابل در کابل برگزار می‌شود و در مشوره با شورای عالی صلح باید نظر منسجم و واحدی را با جهانیان شریک شود.

رئیس دولت وحدت ملی می‌گوید که تروریستان و حامیان آن به دنبال راه حل سیاسی نیستند و دولت افغانستان تلاش می‌کند تا هم جنگ را ببرد و هم صلح را تأمین کند. آقای غنی که روز شنبه (۱۴ دلو) در مجمع عمومی شورای عالی صلح افغانستان صبح می‌کرد، گفت: «ما دو هدف واضح داریم و آن این است که هم باید جنگ را ببریم و هم را

مهاجران از پاکستان به کشور برگردند. او در خصوص مراحل صلح نیز گفت که در این روند سه مرحله ضرور است؛ مرحله آمادگی پیش از مذاکرات، مرحله مذاکرات و مرحله تثبیت و ضمانت پیمان صلح؛ دو مرحله اول مطلقاً بین الافغانی باشد و هرچه به نفع مردم است به کار اندازیم و در این دو مرحله متحدین بین المللی ما خیر باشند اما دخیل نباشند. اما آقای غنی گفت که در مرحله سوم که جامعه جهانی نیز باید دخیل باشند و در این مرحله اگر تصمیم غلط بگیریم جنگ در کشور ختم نمی‌شود. رئیس دولت وحدت ملی تصریح کرد، کنفرانس کابل از نگاه پیام رسانی مهم است. در این کنفرانس ما با جامعه جهانی واضح می‌سازیم که تروریستان و حامیان آن به دنبال راه حل سیاسی نیستند. به گفته وی، به تعقیب کنفرانس کابل، سه کنفرانس دیگر در تاشکن، نشست بزرگ علمای اسلامی در اندونیزیا و سوم کنفرانس دیگر در خلیج برگزار خواهد شد. او تأکید کرد که نیت و اراده ما در قسمت صلح قوی تر شده است؛ ضعف ما در این است که ما تابع طرح دشمن شویم و طرح دشمن این است که روند صلح و شورای عالی صلح بی اعتبار شود ولی ملت افغانستان چنین اجازه ای به دشمن نخواهد داد.

او با اشاره حادثه چهار راهی صدارت کابل گفت: «بین کسانی که صلح را می‌پذیرند و کسانی که رد می‌کنند تفکیک شود. بعد از حادثه هفته گذشته این کار آسان شد. کسانی که مسول این فاجعه هستند صلح‌پذیر نیستند و این‌ها تنها عزم ما را برای نابودی کامل خود خواهند دید؛ آنان در هر سوراخ که بروند از سوراخ می‌کشیم شان و عدالت را بالای آنان تطبیق خواهیم کرد». رئیس دولت وحدت ملی بیان داشت، تا زمانی که طرح جامعه برای صلح نداشته باشیم، چطور فکر کنیم که صلح پایدار می‌آید که ۶۰ درصد مردم ما گرسنه باشند و مردمی که در روز یکبار نان می‌خورند و اولاد غریب به آینده خود اطمینان نداشته باشند. آقای غنی یادآور شد که مساله دوم باید فضای اعتماد باشد، اگر سال‌ها جنگیدیم ختم جنگ حوصله می‌خواهد و اعتماد سازی هم زمان بندی دقیق می‌خواهد و اگر روند صلح زمان بندی واضح نداشته باشد به صلح نمی‌انجامد. عوامل مخرب صلح باید از شروع مذاکرات صلح سنجیده شود. او گفت که مهم‌ترین مساله موضوع مهاجرین است، این مساله را باید به شکل کلی و اساسی حل کنیم؛ چطور صلح می‌خواهیم که نیمی از جامعه ما در هجرت زندگی می‌کنند. باید روی این مساله غور شود و تمام منابع دولت تمرکز کنند که در مدت کوتاه تمامی

احمد عمران



## جنایت را نمی شود انکار کرد!

می شود، هیچ سوالی بر نمی انگیزد؟ آقای حکمتیار در این گفتگوی خود عملاً نشان داد که به شدت مشکل روانی دارد و پر از عقده و تعصب است. او هنوز در حسرت روزهای است که بتواند بازهم جنایت کند و از این که می بیند در فضای فعلی مجال تحقق چنین رویایی را ندارد به خود می پیچید و به هر طرف چنگ می اندازد. چنگ انداختن او به زبان فارسی از روی همین عقده حقارت ناشی می شود. او که به اندازه یک دانش آموز صنف اول مسایل زبانی را نمی داند، در مورد زبان فارسی سخن می گوید و بدتر از همه این که مدعی است در این رابطه می تواند به اندازه یک کتاب سخن بگوید. شاید ۱۱۸ جلد کتابی را هم که ایشان خود را نویسنده آن ها معرفی می کند، همین گونه از ذهن شان تراوش کرده باشد. او حتا نمی تواند میان لهجه، گویش و زبان تفاوت قابل شود و یا حداقل معنای این اصطلاحات را بداند. آن وقت می آید و در هیات یک زبان شناس حرف های می زند که فقط می توانند باعث خنده شوند. آقای حکمتیار قبل از مطرح کردن چنین سخنانی حداقل لازم بود که از یکی از استادان زبان می پرسید که معنای چنین اصطلاحاتی چیستند و چگونه زبان ها می توانند از هم متفاوت باشند و چه چیزهای سبب می شوند که ما دو زبان را از هم متفاوت بدانیم. سخنان آقای حکمتیار به این می ماند که میان انگلیسی که در کشورهای مختلف سخن گفته می شود فرق بگذاریم و مدعی شویم که هر یک از این ها یک زبان علجیده است. کانادایی یک زبان است، امریکایی زبانی دیگر، استرالیایی زبانی دیگر قس علی هذا. وقتی کسی چنین قضاوتی در مورد یک زبان که هیچ فهمی در مورد آن ندارد چنین اندیشمندانه! سخن می گوید مشخص است که سخنان او در مورد مسایل سیاسی چقدر می توانند از پایگاه و جایگاه علمی و اندیشه ورزانه برخوردار باشند.

های مهمی از شهر کابل شدند و می خواستند که این شهر را از بیخ و بن ویران کنند؟ مگر گفتگوی زنده قهرمان ملی کشور که با آقای حکمتیار برای دفاع از مردم کابل سخن می گوید و چه مردانه سخن می گوید، در اختیار همه قرار ندارد؟ آقای حکمتیار بر چه اساسی می تواند که خود را از جنایات آن سال ها مبرا نشان دهد؟ اگر جنگ قدرت ایشان نمی بود بدون شک قطره خونی در کابل و دیگر شهر های کشور ریخته نمی شد و انتقال قدرت به صورت مسالمت آمیز و آرام انجام می شد. آقای حکمتیار حتا از جنایاتی که در سال های پیشین انجام داده، انکار می ورزد و به صورت شرم آوری می گوید باید دیده شود که انتحاری مربوط حزب ایشان چگونه عمل انتحاری را که منجر به قتل یک خانواده مکمل شد، انجام داده است. این گونه سخنان به هیچ وجه نمی توانند توجیهی برای جنایاتی باشند که ایشان در طول دوره های مختلف مبارزاتی خود علیه مردم بی گناه و بی دفاع صورت داده است. آقای حکمتیار به شکل پارادوکسیکالی حتا مشروعیت نظام فعلی را نمی خواهد بپذیرد. او ضمن این که مدعی است دولت فعلی یک دولت دست نشانده است، اما می گوید قانون اساسی را رعایت می کند. چگونه ایشان در منظومه فکری خود میان این دو متضاد می تواند جمع سازد. از یک طرف دولت بدون مشروعیت ولی از یک طرف دیگر قانون اساسی دارای مشروعیت. آقای حکمتیار بدون آن که شرایط تاریخی به وجود آمدن دولت موقت پس از طالبان را بداند می گوید که دولت فعلی به این دلیل نامشروع است که از بن به کابل منتقل شد و آقای کرزی هم از راه پاکستان وارد کشور شد. مگر خودشان در این سال ها در کجا بود و از چه راهی وارد افغانستان شد؟ جنگیدن در برابر اراده مردم که در بن رقم خورد مشروعیت دارد اما حضور در کنار داعش و طالبان که هر روز دست شان به خون مردم ما رنگین

سخنان اخیر گلبدین حکمتیار به اصطلاح رهبر حزب اسلامی نه تنها منجرکننده بل به شدت نفاق افکنانه و تعصب آلود بود. این اظهارات که در یک گفت و گوی ویژه با یکی از رسانه های تصویری خصوصی انجام شد، نشان داد که چگونه عده هنوز در خواب خرگوشی به سر می برند و از آن چه که در کشور صورت گرفته و صورت می گیرد بی اطلاع اند. حافظه این گونه افراد در جایی از تاریخ منجمد باقی مانده و اصلاً نمی توانند که تحلیل واقعی و درست از اوضاع پیرامون شان و سال های که بر آن ها گذشته است داشته باشند. برای برخی ها گذشت زمان آموزنده و پر از درس های است که از آن در کار امروز خود بهره می برند، اما برای برخی ها گذشت گرد سفیدی بر چهره شان می پاشد، اما در عمل همان چیزی بودند که هستند. امروز حتا کودکان مکتب می دانند که تاریخ افغانستان در سال های اخیر چگونه رقم خورده است، کی ها برای عدالت و آزادی رزمیده اند و کی ها علیه منافع مردم شان قیام کردند و باعث ویرانی کشور و مرگ صدها انسان بی گناه این سرزمین شده اند. تاریخ را نمی شود آن گونه که ما می پسندیم، نوشت. تاریخ در ذهن مردم جریان دارد و قضاوت در مورد عملکرد کنش گران آن به خواست افراد و اشخاص صورت نمی گیرد. آقای حکمتیار می گوید که در سال های هفتاد که جوی خون در کابل به راه افتاد، هیچ نقشی نداشته است و گویا این جمعیت اسلامی و متحدان آن که اکثر جناح ها و تنظیم های جهادی بوده اند، عامل اصلی ویرانی های پایتخت و برخی از شهرهای دیگر کشور اند. اما چگونه می شود که چنین ادعای را بپذیرفت؟ مگر هنوز بسیاری از شاهدان عینی آن زمان همین لحظه در میان ما نیستند؟ مگر خودما جز شاهدان آن دوره نبوده ایم؟ آیا فراموش کرده ایم که چه سان پیش از تشکیل حکومت موقت و انتقال قدرت نیروهای حزب اسلامی وارد بخش

## سخن ماندگار

### سفرهایی که به نفع پاکستان تمام می شود

دیروز هیاتی از پاکستان وارد کابل شد و تا روی مسایل افغانستان گفت و گو کند. پیش تر از این مقامات امنیتی که بعد از یک رویداد تروریستی در کابل، وارد پاکستان شده بودند و در بازگشت گفتند که پاکستان معترف به حضور طالبان در آن کشور است و تعهد داده است که دولت افغانستان را همکاری می کند. مقامات گفته بودند که قرار است روز شنبه هیاتی از پاکستان وارد افغانستان شود و روی معلوماتی که هیات افغانستانی به پاکستان داده است، صحبت کند. اما واضح است که سفر هیات پاکستانی به افغانستان، از گذشته مطرح بوده است و اما ربطی هم سفر اخیر مقامات افغانستانی به پاکستان یافته است؛ اگرچه ساعتی بعد از کنفرانس خبری مقامات امنیتی در کابل، سفارت پاکستان در اعلامیه یی اظهارات مقام های امنیتی افغانستان را رد کرده بود و گفته بود که پاکستان هیچ تعهدی به دولت افغانستان نداشته است در آن اعلامیه همچنان آمده بود که سفر یک هیات پاکستانی به کابل که قرار است روز شنبه صورت گیرد هم هیچ ربطی به مسایل امنیتی تازه کابل و سفر مقامات افغانستانی به اسلام آباد ندارد و مربوط به موضوعات دیگری است که از سال گذشته روی آن صحبت شده بود.

این مواجهه، به خوبی واضح می سازد که سفر اخیر مقامات پاکستانی برای امنیت افغانستان اگر ارتباطی هم دارد تاثیر چندانی بر وضعیت نخواهد گذاشت؛ البته در شانزده سال گذشته سفرهای زیادی میان کابل و اسلام آباد صورت گرفت که هیچ کدام به نفع افغانستان نبوده است و در موردی این پاکستان بود که از آن بهترین استفاده را برده است. دستگاه دیپلوماسی و سیاست افغانستان که طی این همه سال از طرف ارگ مدیریت می شده است ناکارا بوده و نتوانسته است که از این سفرها بهره بجوید. از جانب دیگر افغانستان در محراق عمق استراتژیک پاکستان است و تا زمانی که تغییری در سیاست خارجی پاکستان رو نما شود و انعطافی در عمق استراتژیک آن ایجاد نشود، مسأله امنیتی افغانستان حل نمی گردد. کلید موفقیت در برابر حملات تروریستی این است که ضمن توجه به بعد داخلی مسأله، باید فشارهای ملی و بین المللی روی پاکستان ایجاد شود تا آن کشور سیاست خارجی خودش را تغییر بدهد. با تغییر این سیاست خارجی، بایستی انعطافی در مسأله عمق استراتژیک پاکستان رو نما گردد؛ آنگاه می توان انتظار داشت که پاکستان در روند صلح همکاری کند.

همین اکنون فرصت خاصی مساعد است تا دولت افغانستان با اذهان مردم بازی نکند و بایستی از شورای امنیت به شکل جدی بخواهد که در امور امنیتی افغانستان مداخله کند؛ زیرا بحث افغانستان دیگر از توان حرکت های دیپلماتیک کشوری عبور کرده است و به مساله منطقه و جهان گره خورده است و لازم است که این مساله در آن سطح ها جدی گرفته شود ورنه پاکستان به ساده گی توان استفاده از این سفرها و وضعیت موجود را به نفع خودش در شرایطی که زیر فشار بیشتر قرار گرفته است، دارد. همانگونه که سفر اخیر مقامات افغانستان به پاکستان و سفر هیات پاکستانی به کابل می تواند در جهت رفع فشارها بر پاکستان باشد؛ زیرا پاکستان می خواهد نشان بدهد که دارد در امر مبارزه با تروریسم همکاری می کند.

# وعده‌هایی که

## در حد «گپ» می‌ماند

روح‌الله بیهزاد

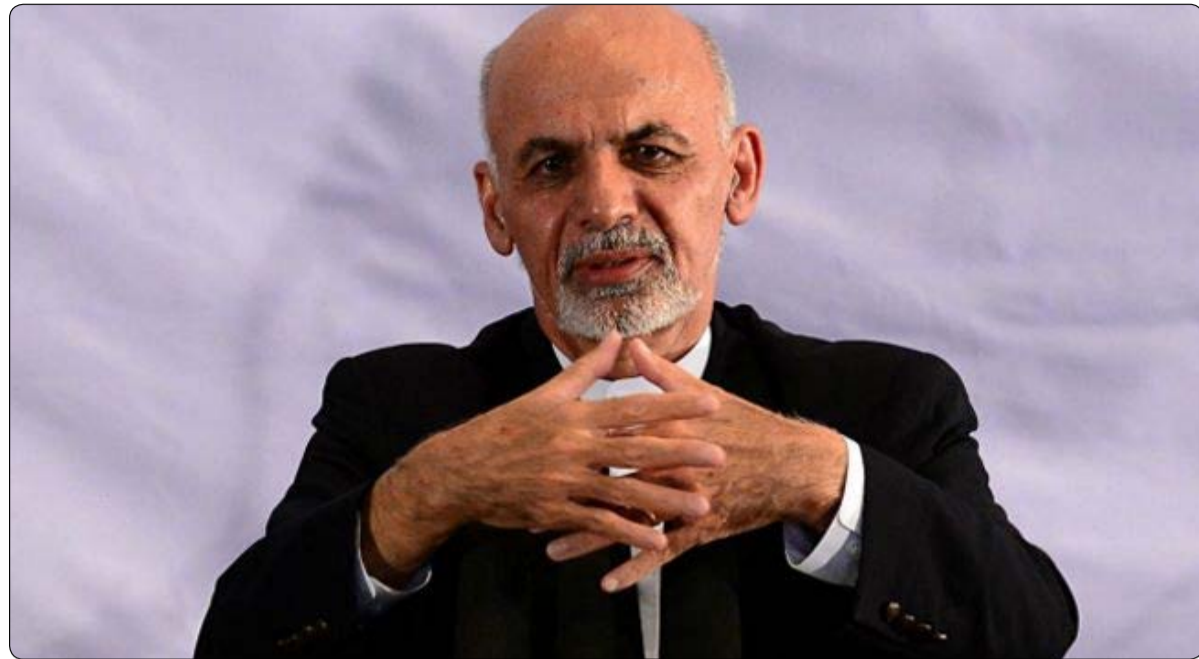
دروغ گفتن و ریاکاری، به فرهنگ نانوخته شده در دستگاه دولت افغانستان در حال تبدیل شدن است. دروغ‌گویی به عنوان یک ناهنجاری اجتماعی، هر چند از سوی دین، گناه بزرگ دانسته شده و دروغ‌گویان هم به عنوان دشمنان خدا شناخته شده اند، اما سران حکومت افغانستان هرازگاهی که در مقابل دوربین رسانه‌ها قرار می‌گیرند، دروغ می‌گویند و تظاهر به راست‌گویی می‌کنند.

دیده می‌شود که دروغ‌گویی بخشی از رفتار روزمره زنده‌گی اجتماعی عده‌ای از حکومت‌گران و مسولان دولتی را تشکیل می‌دهد؛ دروغ و ریا، «بیماری» فرهنگی و اجتماعی امروز حکومت‌گران افغانستان شده و این بیماری روزبه‌روز رو به افزایش است. شگفت آنکه هم آنان و هم مردم، می‌دانند که این عده دروغ می‌گویند، اما چون تبدیل به عادت و جزء رفتار روزمره‌شان شده است، نه خودشان و نه هم مردم، خمی به ابرو نمی‌آورند! از رییس حکومت گرفته تا سخنگویان وزارت‌خانه‌ها و ریاست‌خانه‌های دولت در «بیشتر اوقات»، جز دروغ و سخن‌پراکنی‌های بی‌عمل، چیزی نمی‌گویند. به نظر می‌رسد مسولان حکومتی و کارمندان دولت تصور می‌کنند وظیفه‌شان دروغ‌گویی و فریبکاری و به اصطلاحی، خاک به چشم زدن است و با پیش‌زمینه دروغ‌گویی و توجیهات فریب‌کارانه، وارد عرصه دولت‌داری و وظیفه می‌شوند؛ بی‌آنکه به پیامدهای جنین رفتاری و گفتاری اندکی تأمل کنند.

محمد اشرف غنی در اکثر سخنرانی‌های خود حرف‌هایی به زبان می‌آورد و وعده‌هایی می‌سپارد که هیچ‌گونه ضمانت اجرایی برای آن وجود نمی‌داشته باشد. او در سخنرانی

روز جمعه خود یک بار دیگر دست به دروغ‌پراکنی زد و گفت که «پیام دین اسلام این است که هیچ‌گونه تبعیضی بین سیاه و سفید و سرخ وجود ندارد». بارها شاهد بوده‌ایم که رییس حکومت وحدت ملی از انجام ابتدایی‌ترین مناسک دینی عاجز مانده است و نیز در عرصه حکومت‌داری، به جز حلقه محدودی از افراد خودی مربوط به قومش، به هیچ‌کس دیگری اعتماد نکرده و در برابر آنان نوعی «تبعیض» روا داشته است. محمد اشرف غنی تظاهر به دین‌داری می‌کند، در حالی که به سنگ و چوب این مملکت هویدا است که او یک سیکولار است. او تظاهر به باورمندی به «کثرت‌گرایی» می‌کند، در حالی که مردم با پوست و گوشت‌شان اطمینان پیدا کرده اند که اشرف غنی یک تکونکرات قوم‌محور و قوم‌گرا است. چنین طرز رفتار و گفتاری، جز ریاکاری و دروغ‌پراکنی، چیز دیگری را به جامعه القا نمی‌کند.

غنی در سخنرانی روز جمعه هم‌چنان گفت که او رییس جمهور «منطق» و «اراده» است و هیچ «تردیدی» در این زمینه وجود ندارد. او هم‌چنان از «تعهد» و «کیفیت» مسولان امنیتی‌اش سخن گفت و تأکید کرد که در مورد فرماندهان امنیه ولایت‌ها در هفته آینده تصمیم می‌گیرد. با این وجود، هرکسی این سخنرانی را دیده باشد، به اوج دروغ‌گویی، ریاکاری و خودشیفته‌گی محمد اشرف غنی پی می‌برد؛ چه کسی گفته می‌تواند که تکیه زدن یک مهندس به کرسی وزارت داخله «کیفیت» است؟ چگونه منطق بپذیرد آدمی که تحصیلات در زمینه «کانالیزاسیون» دارد و یک روز در ریاست عمومی امنیت یا دیگر نهاد امنیتی کار نکرده است، آدم با کیفیت در ریاست امنیت ملی باشد؟ هیچ منطقی نمی‌تواند بپذیرد که تبدیلی



کسب اعتماد و اطمینان، در پی راست‌گویی در جامعه باشند و از افرادی حرف شنوی داشته باشند که راست‌گویی و امانت‌داری جزو اخلاق‌شان است. آنچه ذکر شد، تنها بخشی از دلایل پُر شماری است که سبب شده، دروغ و ریا در جامعه ما گسترش یابد و اعتماد عمومی در همه سطوح، به نازل‌ترین حد خود برسد. البته ناگفته نماند که هنوز راست‌گویی هم زنده است، ولی دروغ حتماً اندک‌ش هم مهلک است. دروغ؛ کلید صندوق زشتی‌های دیگر است و اگر در جامعه‌ی شیوع پیدا کند، پشت سرش، ریاکاری، خیانت در امانت، دزدی و اختلاس، بی‌عفتی، لاپالی‌گری و... هم می‌آید. بر همه ما است که ابتدا خود را ملزم به راست‌گویی کنیم و سپس بدان حد که از دست‌مان بر می‌آید، صداقت را ترویج دهیم؛ در غیر این صورت، خودمان هم در منجلاب جامعه‌ی که به دروغ و عوارض بعدی گرفتار شده، غرق خواهیم شد.

عادت تبدیل می‌کند. این که افراد ناگزیر شوند خود را غیر از آنچه هستند، معرفی کنند، نهادینه‌سازی دروغ در درون افراد و جامعه است. دروغ‌گویی یک آسیب اجتماعی است که اکثر اوقات از سوی یک فرد وارد اجتماع شده و گسترش پیدا می‌کند؛ اگر این فرد در رأس حرم قدرت قرار داشته باشد و حرف و سخنش در جامعه تأثیر گذار باشد، بدون شک بستر آسبی که قرار است به پیکر جامعه وارد شود، گسترده‌تر و جدی‌تر خواهد بود. این مسأله یک ضعف برای جوامع از جمله جامعه افغانستان است. دروغ‌گویی و ریا، ضعف افرادی را نشان می‌دهد که به هدف پوشاندن معایب خود، از طریق بزرگ کردن، کوچک کردن و یا عوض کردن موضوعی، گفته‌های نادرست را به دیگران القا می‌کنند. وقتی مردم می‌بینند که بلندپایه‌ترین مقام‌های حکومت به راحتی دروغ می‌گویند و بر دروغ‌شان اصرار هم می‌ورزند، ناخودآگاه دروغ‌های خودشان را هم موجه می‌انگارند؛ و این کار برای جامعه کشنده است. مردم هم نباید به شایعات و دروغ‌پردازی‌ها توجه کنند و صرفاً باید با

همزمان ده‌ها فرمانده امنیه از ولایت‌ها به تأمین امنیت کمک کند. تأمین امنیت نیازمند اراده جدی سران یک حکومت در امر مبارزه با تروریسم و برخورد مسولانه با جان مردم و نهادهای مهم یک نظام مردمی است. در عین حال، وزیر داخله و رییس عمومی امنیت ملی پس از سفرشان به پاکستان گفتند که مسولان ارشد حکومت پاکستانی، استفاده خاک آن کشور از سوی طالبان را پذیرفتند و تأکید کردند که برای پاسخ‌گویی به کابل می‌آیند، اما سفارت پاکستان این ادعا را رد کرد و گفت که آنان چنین حرفی و چنین قولی به مسولان امنیتی افغانستان نداده اند؛ چنین ادعایی، تنها بیانگر عادی شدن دروغ در دستگاه حکومت افغانستان می‌تواند باشد. به نظر می‌رسد، مسولان ارشد امنیتی ساعتی نشسته و برای پوشاندن سفر بی‌نتیجه‌شان برای این ادعای دروغین، واژه‌های و اصلاحات سرهم کرده اند؛ بی‌آنکه به پیامدهای چنین سخنی فکر کنند.

به هر صورت، این قبیل کارها، دروغ گفتن را ابتدا به یک امر اضطراری و سپس به یک

## ماه عسل رابطه امریکا با پاکستان پایان یافته است؟

هارون مجیدی

تنها کشوری است که می‌تواند در آینده هژمونی امریکا را در جهان تهدید کند.

این نماینده مردم کابل در پارلمان، برآیند سیاست خارجی دولت کنونی امریکا با توجه به اعلان استراتژی جدید آن کشور در جنوب آسیا و افغانستان را فشار بیشتر بر پاکستان دانست و اظهار داشت که تا حدودی معادله را به نفع افغانستان تغییر داده است، اما در صورتی که حکومت به جای توجه به منافع ملی و وحدت ملی همچنان بر طبل نفاق سیاسی و اجتماعی و انحصار بکوبد، این فرصت محدود نیز از دست خواهد رفت.

همزمان با این، اسلام‌آباد نگرانی خود را در مورد احتمال حمله نظامی امریکا بر پناهگاه امن تروریستان در داخل خاک پاکستان ابراز کرده است.

قصر سفید با نشر اعلامیه‌ی بی‌گفته بود که دونالد ترامپ بر بنیاد راهبرد جدید واشنگتن برای جنوب آسیا به ارتش امریکا اجازه داده تا به پناهگاه‌های امن دهشت‌افکنان در داخل خاک افغانستان و پاکستان حمله کند.

خرم دستگیر خان، وزیر دفاع پاکستان در واکنش به این اعلامیه قصر سفید گفت: «ما می‌خواهیم به امریکا این را تصریح کنیم که پاکستان یک کشور مستقل است و استقلال آن باید احترام شود.»

وزیر دفاع پاکستان در صحبت با رسانه‌ها می‌گوید که کشور اعلامیه قصر سفید را «به‌گونه بسیار جدی» بررسی می‌کند. خرم دستگیر خان گفت که صدور چنین اعلامیه‌ها می‌تواند تلاش‌های صلح در افغانستان را «منحرف» کند.

این مقام ارشد حکومت پاکستان اضافه کرد که امریکا به جای صدور همچو اعلامیه که به گفته او، می‌تواند هر گونه تعبیر شود، باید با پاکستان مشوره کند.

در همین حال، جنرال کینیت مک کینزی، یک مقام ارشد اردوی ایالات متحده می‌گوید که در حال حاضر ارتش آن کشور طرحی برای انجام عملیات نظامی در داخل خاک پاکستان ندارد.

به باور آقای مهدوی: مسولان حکومت باید در تنظیم سیاست خارجی کشور، علایق ایدیولوژیک و رفتارهای سلیقه‌ی را کنار گذاشته و منافع ملی را در اولویت قرار دهند.

دکتر مهدوی با بیان این‌که حوزه روابط بین‌الملل با محاسبات ریاضیکی قابل محاسبه و سنجش نیست، تأکید کرد که در این عرصه نمی‌توان نتایج روابط انسان‌ها را از قبل پیش‌بینی کرد. بنابراین، دشوار است که بدون در نظر گرفتن مناسبات کلی منطقه‌ی، صرفاً سیاست‌های دولت ترامپ را در قبال افغانستان و پاکستان بررسی کرد. این عضو مجلس با اشاره به عملکردهای یک‌ساله دولت ترامپ در مسایل سیاست خارجی و با استناد به نظریات تیورسین‌های مطرحی چون «بنر» و «پوشکا فیشر»، تصریح کرد که عدم قطعیت در سیاست خارجی به یکی از ویژگی‌های اصلی سیاست دولت امریکا تبدیل شده است.

آقای مهدوی با بیان این‌که به ناهم‌آهنگی و اختلاف نظر در سیاست خارجی میان رییس‌جمهور و وزیر خارجه امریکا، گفت: «در موضوع جنگ با طالبان، آقای ترامپ به صراحت اعلام کرد که با طالبان مذاکره نمی‌کند و دیگر باب گفت‌وگو بسته شده و آن‌ها با طالبان در میدان جنگ تصفیه حساب می‌کنند، اما یک ساعت بعد آقای تیلرسون گفت که ما همچنان بر سیاست گفت‌وگو با طالبان پافشاری داریم.»

دکتر مهدوی جایگاه افغانستان در سیاست خارجی امریکا را حاشیه‌ی دانسته گفت: «ای کاش ما در مناسبات سیاست خارجی امریکا به عنوان یک شریک استراتژیک جایگاه می‌داشتیم. مشکل این است که توجه امریکا در مورد افغانستان در راستای ایده «اینڈیا پاسیفیک» است. یعنی اهمیت افغانستان برای دولت ترامپ به دلیل جدی بودن تهدید چین به عنوان یک رقیب استراتژیک است.» او بیان داشت که مطابق بررسی‌های انجام شده، چین



با اسرائیل از علت‌های عمده در این فصل است. رییس مرکز مطالعات استراتژیک وزارت خارجه افغانستان، رابطه جدید امریکا با پاکستان در پنج مرحله چنین خلاصه می‌کند: «مباحث لفظی بود که از تویت آقای ترامپ آغاز شد. قطع کمک‌های نظامی با پاکستان، قطع کامل کمک‌های اقتصادی خواهد بود و پیش می‌شود که در مرحله چهارم وضع تحریم‌های گسترده در برابر پاکستان خواهد بود و مرحله پنجم که شدیدترین ضربه در رابطه این دو کشور خواهد بود، حمله امریکا بر پایگاه‌های تروریستان در قلمرو خاک پاکستان خواهد بود.»

آقای تمنا در پاسخ به این پرسش که در این میان افغانستان چه باید کند؟ می‌گوید: «تنها راه گریز از وضعیت نامناسب امنیتی افغانستان، قفل شدن ما با امریکا و ناتو است، تنها ارتباط نداشته باشیم، اقتصاد و امنیت ما باید قفل شود تا تهدید در برابر افغانستان، تهدیدی در برابر امریکا، فرانسه و کشورهای دیگر شمرده شود و این پیوند با هنر و مهارت ویژه‌ی ساخته می‌شود.»

در این حال، دکتر جعفر مهدوی، نماینده مردم کابل در مجلس نماینده‌گان، می‌گوید: حکومت باید به دور از علایق ایدیولوژیک و ذوق‌زده‌گی سیاسی، منافع ملی را در اولویت قرار دهد. او تصریح کرد که نه هند دوست همیشه‌گی و نه پاکستان دشمن همیشه‌گی ما است.

شماری از آگاهان مسایل روابط بین‌الملل و اعضای مجلس نماینده‌گان می‌گویند که «ماه عسل» روابط پاکستان و امریکا به سرانجام رسیده و این رابطه کمترین حد ممکن آن رسیده است.

به گفته آنان، حکومت باید به دور از علایق ایدیولوژیک و ذوق‌زده‌گی سیاسی، منافع ملی را در اولویت قرار دهد که نه هند دوست همیشه‌گی و نه پاکستان دشمن همیشه‌گی ما است.

دکتر فرامرز تمنا، رییس مرکز مطالعات استراتژیک وزارت خارجه افغانستان می‌گوید: پس از خروج تدریجی نیروهای خارجی از کشور، اهمیت تاکتیکی پاکستان در سیاست خارجی ناتو و امریکا کاهش بسیار ملموس پیدا کرد و در این فرصت، نیاز ناتو و امریکا به پاکستان اندک شده است.

او در ادامه سخنانش گفت: امریکا به نتیجه رسیدند که پاکستان همکار جدی و صادق در مبارزه با تروریسم نیست و حالا رابطه این دو کشور به کمترین حد ممکن رسیده است. آقای تمنا می‌گوید که رابطه ماه عسل امریکا با پاکستان به پایان رسیده است.

به باور رییس مرکز مطالعات استراتژیک وزارت خارجه، در فصل کاهش همکاری پاکستان با امریکا، بی‌نیازی امریکا به پاکستان، نزدیک شدن رابطه افغانستان با امریکا، نزدیکی روزافزون هند با امریکا و نزدیکی روزافزون هند

**بخش دوم**



**مردم دنیا**

**در مورد «باران»**

**په می‌گویند؟**

رامین حاجیان فرد

**نغمه‌های بارانی**

فردریک شویو (۱۸۴۹-۱۸۱۰ میلادی) یکی از مشهورترین آهنگ‌سازان لهستانی و نوازنده پیانو است. شویو تمام قطعات و آثار موسیقایی‌اش را برای پیانو نوشت و چند اثر ارکسترال او نیز در واقع همراهی ارکستر بزرگ با پیانو بود. او بین سال‌های ۱۸۳۵ تا ۱۸۳۹ میلادی، ۲۴ پیش‌درآمد یا پرلود برای پیانو نوشت که پیش‌درآمد شماره ۱۵ از این مجموعه «پرلود قطرات باران» نام دارد. این قطعه در اجراهای گوناگون بسته به تند یا کند نواختن قطعه، پنج تا هفت دقیقه است. چیدمان نت‌های موسیقی و تکرار یک نت در سراسر قطعه تداعی‌گر قطره‌های باران برای شنونده است. در بعضی منابع تاریخی گفته شده که جرج سند، رمان‌نویس و شرح حال نویس مشهور فرانسوی در عصر روزی بارانی در خانه شویو مهمان بوده و شاهد نواختن این قطعه زیبا توسط او بوده است.

**باران، نماد خشم و شادی**

باران همیشه در زندگی بشر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. نیاز و وابستگی شدید به باران از نیاز به حفظ حیات، سرچشمه گرفته است. به همین دلیل انسان همیشه در نمادهای فرهنگی و آثار هنری از یک سو و در آیین‌ها و باورهایش از سوی دیگر همواره از باران یاد کرده است. شیوه زنده‌گی انسان و رابطه مستقیم یا غیرمستقیمی که زنده‌گی او با باران دارد در نوع نگاه او به این پدیده طبیعی تأثیرگذار بوده است. برای مثال، برای کشاورزی که در زمان مشخصی از سال چشم‌انتظار بارنده‌گی برای به ثمر رسیدن محصولاتش است، بارنده‌گی شاید یکی از مهم‌ترین رخدادهای شمار آید، در صورتی که همین باران برای شخصی که در شهر زنده‌گی می‌کند و بارنده‌گی ترافیک شهری را برایش به همراه دارد، باعث بروز اختلال در روند طبیعی زنده‌گی روزمره او گردیده و امری ناخوشایند به حساب می‌آید. گاهی اوقات بارنده‌گی‌های شدید که منجر به سیل می‌شود، نمادی از خشم طبیعت به حساب می‌آید. بنابراین باران همزمان می‌تواند باعث شادی و خشم برای افراد شود.

**این نقطه از کره زمین بارانی است**

منطقه «چراپونجی» یا «سوها» در ایالت مگالایا در شمال شرقی شبه‌قاره هندوستان پرباران‌ترین نقطه کره زمین است. چراپونجی در زبان محلی به معنی سرزمین پرتقال است. میانگین بارنده‌گی سالانه آن حدود ۱۱ هزار و ۷۰۰ میلی‌متر است. گیاهان گوناگون استوایی و جنگلی در این منطقه روئیده و دره‌ها و آبشارهای پُر آب آن را به منطقه‌ای خاص تبدیل کرده است. ابرهای باران‌زا از خلیج بنگال به این منطقه رسیده و هوای آن را بارانی می‌کنند. نکته جالب این‌که میزان بارنده‌گی این منطقه در شب بیشتر است. این منطقه فقط یک فصل دارد و آن‌هم فصل بارانی است. به این معنی که تقریباً در بیشتر روزهای سال باران می‌بارد. وجود رودها و جویبارهای فراوان در این منطقه باعث شده که فناوری ساخت پل در طول تاریخ آن رونق بسیاری داشته باشد.

**ابر پیام‌آور**

مشهورترین شاعر هندوستان به نام «کالیداسا» که احتمالاً در قرن پنجم یا ششم میلادی زنده‌گی می‌کرده، ترانه «ابر پیام‌آور» یا «مگادوتا» را به زبان سانسکریت سرود. این شعر ۱۱۱ بند است و داستان شخصیتی اساطیری را بازگو می‌کند که بنا بر دلایلی به مدت یک سال در منطقه‌ای زندانی شده است. این شخص در زمان دوری از همسرش، پیامش را به ابر باران‌زایی که از آن منطقه می‌گذرد، می‌سپرد تا ابر پس از رسیدن به کوه‌های هیمالیا، پیام او را به همسرش برساند. از نکات جالب توجه این شعر، بیان دقیق و ظریف مسیر حرکت این ابر از مناطق مختلف هندوستان است. این شعر در سال ۱۸۱۳ میلادی به زبان انگلیسی ترجمه شد.

تولید دانش کاربردی و دست یافتن به توسعه کیفی انسانی، نمی‌تواند به پیشرفت، ثبات و آسایش عمیق، متوازن و پایدار دست یابد؛ چون ظرفیت و مهارت‌های مسلکی و دانش کاربردی از جمله نیازهای جدی برای پیشرفت و ترقی متوازن و پایدار محسوب می‌شوند. عمده‌ترین مراجع و بسترهایی که انسان‌ها، جوامع انسانی و کشورها را در قبال تولید نیروی کار مسلکی و مجهز با مهارت‌های مبتنی بر نیازمندی‌های روز و همچنان دانش کاربردی و تخنیک و تکنالوژی مورد نیاز برای فراهم کردن نیازها و فرصت‌های بهتر زیستن در زنده‌گی مدرن و پُر رقابت امروزی را فراهم می‌کنند، عرصه تحصیلات عالی و مراکز و نهادهای تحصیلی و دانشگاه‌ها می‌باشند. کشورهایی که دارای تحصیلات عالی معیاری، مدرن، ایجادگر، مبتنی بر دستاورد و مفید اند، همه‌گی برخوردار از پیشرفت، ثبات، اقتصاد قوی و زنده‌گی مرفه و مفید اند.

برای دست یافتن مردم افغانستان به پیشرفت، ثبات و آسایش پایدار نیز به‌جز توجه نمودن به معیاری‌سازی تحصیلات عالی و تلاش برای تربیه و تولید نیروی متخصص مجهز با مهارت‌های مورد نیاز در عصر حاضر و تولید و گسترش دانش کاربردی و برنامه‌های مفید مبتنی بر دانش و مهارت‌های مسلکی، راه دیگری وجود ندارد. البته، در بیشتر از یک‌ونیم دهه گذشته، فصل تازه‌یی در همه عرصه‌ها در افغانستان رقم خورد که از جمله عرصه تحصیلات عالی یک سلسله توسعه و پیشرفت‌های چشمگیر کمی و ساختاری را شاهد بوده است. به گونه بی‌سابقه، دهها دانشگاه و نهاد تحصیلات عالی دولتی و خصوصی در کشور فعال گردید و بیشتر از دوصدهزار محصل در نهادهای تحصیلات عالی دولتی و خصوصی مصروف سپری نمودن دوره‌های آموزشی خود می‌باشند. همچنان از لحاظ مالی و تجهیزات و ساختمان‌های زیربنایی نیز تحصیلات عالی افغانستان به مبلغ و امکانات هنگفت و قابل ملاحظه‌یی دست یافت. بعضی از نهادهای بین‌المللی، مانند بانک جهانی، دهها میلیون دالر را برای رشد و متحول‌سازی تحصیلات عالی افغانستان هزینه نموده و مصرف نمودند و در حال مصرف بودجه‌های چشمگیر دیگر برای رشد تحصیلات عالی در کشور می‌باشند. همچنین با همکاری کشورهای خارجی و نهادهای بین‌المللی و اختصاص دادن قسمتی از بودجه ملی افغانستان به بلند بردن سطح تحصیلات عالی کارمندان دولت، صدها تن توانستند در کشورها و دانشگاه‌های متفاوت دنیا تحصیلات عالی خود را در سطوح ماستری و دکورا به پایان برسانند و در اکثر موارد، دوباره به وطن برگردند.

اما از لحاظ کیفی و محتوایی، تحصیلات عالی افغانستان شاهد کدام تحول و پیشرفت چشمگیر، منطقی و معیاری نبوده است. برای همین، تا امروز تحصیلات عالی افغانستان نتوانسته است در راستای تربیه و تولید نیروی متخصص و ظرفیت‌های مورد نیاز کشور و جامعه و همچنان تولید دانش کاربردی به‌گونه واقعی آن و فراتر از ترویج سواد سنتی و توزیع اسناد تحصیلی، نقش برجسته و مفید داشته باشد. همچنان،

تحصیلات عالی مدرن و معیاری به حیث بستر اصلی پیشرفت و شکوفایی جوامع بشری، در میان ملل و کشورهای جهان از جایگاه ویژه و سازنده‌یی برخوردار است. دانش تخصصی و کاربردی و نیروی کار متخصص و مجهز با دانش و مهارت‌های مبتنی بر نیازمندی‌های بازار کار از جمله نیازهای اصلی برای مبدل شدن انسان‌ها به سرمایه‌های انسانی و مبدل شدن جوامع انسانی به بسترهای با ظرفیت، پویا و ارزش‌مدار انسانی، نقش اساسی و تعیین‌کننده دارند. تاریخ مدرن انسانی هیچ جامعه‌یی را سراغ ندارد که بدون ارزش قابل شدن به تعلیم و تحصیل به‌گونه معیاری و مفید و بدون ظرفیت‌سازی و تولید دانش کاربردی مبتنی بر نیازمندی‌های روز، به پیشرفت، تعالی و آسایش دست یافته باشد و در زمره جوامع مهم، ایجادگر و تأثیرگذار انسانی قلمداد شود. جوامع انسانی که با توسل جستن به ظرفیت‌سازی، به تولید دانش کاربردی و تولید نیروی متخصص مجهز به مهارت‌ها و شایسته‌گی‌های مورد نیاز برای زنده‌گی پُر از فرصت‌ها و چالش‌های دنیای امروزی پرداختند و از فرصت‌های ممکن به‌خوبی استفاده نمودند، امروز می‌توانند از فرصت‌های لازم استفاده به‌مورد نموده، چالش‌های احتمالی را به‌گونه لازم مدیریت کنند و به جایی که می‌خواهند و می‌خواهند برسند. اما کشورهایی که به حد ارزشمندی ظرفیت‌های مسلکی و دانش کاربردی در عصر حاضر نپرداخته و نتوانستند با دنیای پویا و ایجادگر هم‌مسیر و هم‌سفر شوند، فرصت‌های زیادی را از دست دادند و مجبور شدند که با چالش‌های فراوانی دست‌وپنجه نرم کنند.

البته، تجارب ارزشمند و مشخص انسانی این را بیان و نمایان می‌کند که اگر یک ملت و یک مملکت تمام پول و دارایی‌های نقد موجود در دنیا را هم در اختیار داشته باشند، بدون توسل جستن به ظرفیت‌سازی، تولید نیروی متخصص کاری مبتنی بر نیازمندی‌های زنده‌گی مدرن انسانی و بدون

تولید دانش کاربردی و دست یافتن به توسعه کیفی انسانی، نمی‌تواند به پیشرفت، ثبات و آسایش عمیق، متوازن و پایدار دست یابد؛ چون ظرفیت و مهارت‌های مسلکی و دانش کاربردی از جمله نیازهای جدی برای پیشرفت و ترقی متوازن و پایدار محسوب می‌شوند. عمده‌ترین مراجع و بسترهایی که انسان‌ها، جوامع انسانی و کشورها را در قبال تولید نیروی کار مسلکی و مجهز با مهارت‌های مبتنی بر نیازمندی‌های روز و همچنان دانش کاربردی و تخنیک و تکنالوژی مورد نیاز برای فراهم کردن نیازها و فرصت‌های بهتر زیستن در زنده‌گی مدرن و پُر رقابت امروزی را فراهم می‌کنند، عرصه تحصیلات عالی و مراکز و نهادهای تحصیلی و دانشگاه‌ها می‌باشند. کشورهایی که دارای تحصیلات عالی معیاری، مدرن، ایجادگر، مبتنی بر دستاورد و مفید اند، همه‌گی برخوردار از پیشرفت، ثبات، اقتصاد قوی و زنده‌گی مرفه و مفید اند.

**تحصیلات عالی افغانستان در گرو توهم، تقلید و تقلب**

دکتر عبدالقهار سروری

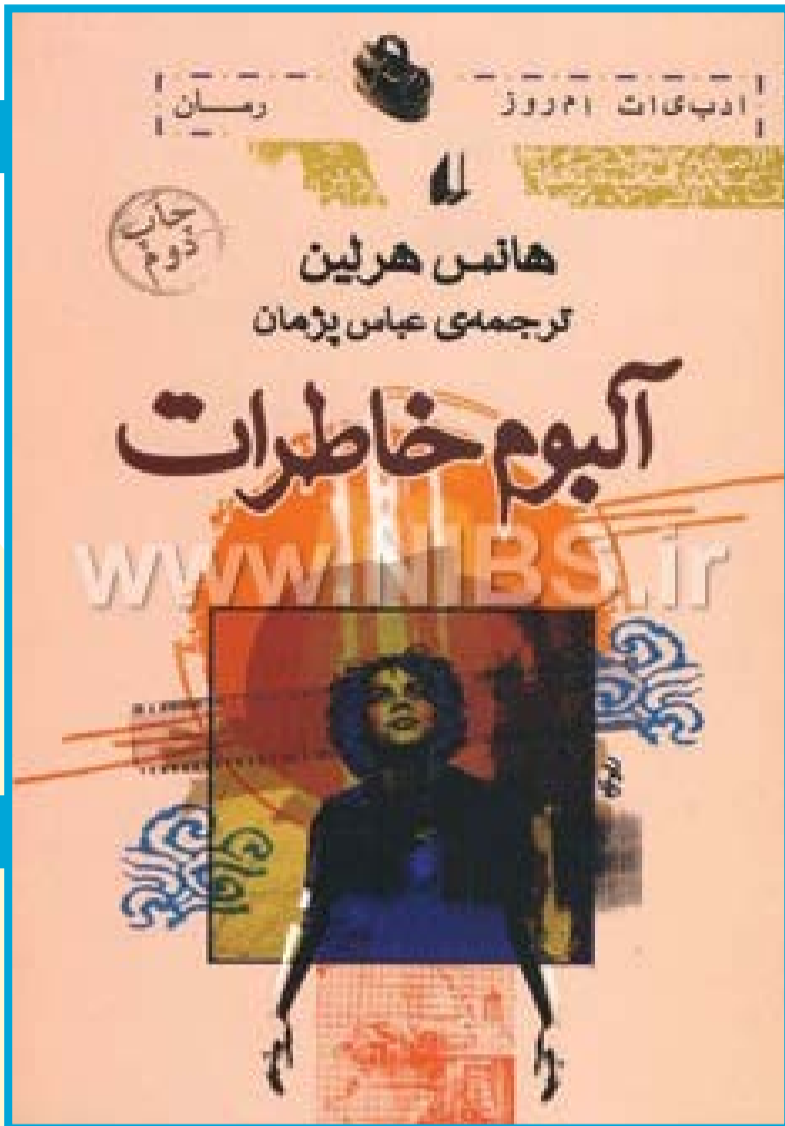
دکترای ارتباطات و تکنالوژی بشری از دانشگاه پهنک مالزی، ماستر ارتباطات تخصصی و زبان انگلیسی از دانشگاه پهنک مالزی و لیسانس ژورنالیسم از دانشگاه کابل

بخش نخست



# نگاه نقادانه به رمان «آلبوم خاطرات» اثر هانس هرلین

جواد ماهزاده



با همه گذشته‌اش (بوچر) برای اولین و واپسین بار تصمیمی ارادی اتخاذ می‌کند. بیشتر نیز همسرش ته آ درباره‌ی علاقه هانس به جولیا دختر گفته بود: «تو گمان می‌کنی عاشق او هستی، اما حقیقت ندارد. تو همان قدر عاشق او هستی که عاشق منی... این چیزی است که بالاخره مجبور خواهی شد قبولش کنی. تو فقط یک زن را دوست داشته‌ای و هنوز هم داری. غیرعادی به نظر می‌رسد اما من می‌دانم که راست است. شاید هم حق با توست. شاید تنها راه عاشق بودن همین است و دانستن این که این عشق ورزیدن هیچ‌گاه از سرت نخواهد افتاد...»

او جولیا مادر را در جولیا فرزند می‌بیند و نمی‌داند چرا این را به جای آن می‌پرستد؛ در واقع جولیا دختری برای او نه به واسطه‌ی جاذبه‌های ظاهری و باطنی خود، بلکه صرفاً به دلیل دختر جولیا بودن و زنده کردن یاد او است که اهمیت دارد. این همان سنگی است که تا ابد بر دوش هانس خواهد بود، مگر آن‌که از جهان گذشته دست بشوید و برای لحظه‌ی کوتاه اراده خود را در رویارویی با حقیقت به محک آزمون بگذارید. حقیقت برای هانس پیکولا همان بوچری است که نماد نفرت و جنایت به حساب می‌آید، ولی از خود هانس نیز خردتر و ترحم‌انگیزتر به نظر می‌رسد. بنابراین وقتی هانس خود را در برابر او خلع سلاح می‌بیند، دیگر اشتباه نمی‌کند و صادقانه برای خود تصمیم می‌گیرد.

نویسنده در این رمان از آدم‌هایی سخن می‌گوید که بار گذشته فردی و جمعی را جنگ، عده‌یی را بر دوش می‌کشند. عده‌یی را جاه‌طلبی متأثر ساخته و هیچ‌یک توانایی برون‌رفت از شرایط حاکم بر خود را ندارند. در این رمان آدم‌ها بارها به عکس و تصاویر رجوع می‌کنند، یا به بیان دیگر این عکس‌ها هستند که حضوری مداوم در زنده‌گی آنان داشته و آن‌ها را به یادآوری گذشته، بازروایی وقایع و قضاوت درباره‌ی صاحبان تصاویر و می‌دارند.

تصاویر ذهنی نیز از جنس همین عکس‌هاست که در پس ذهن بازمانده‌گان نقش بسته و حرکت و پویایی و اراده را از آنان ستانده است. پیکولا زمانی که خود را از چنبره‌ی خاطرات و احساسات متناقض عشق و نفرت و تردید و ... رها می‌کند و راه به اتناق بوچر می‌یابد، می‌تواند مسیر سرد و سرنوشت مبهم خود را به دست خویش تغییر دهد؛ حتی اگر آن مسیر و سرنوشت هملت‌وار به مرگ منتهی شود.

حتا کلمه‌یی رد و بدل شود، در ظاهر خود را می‌بازد و میدان را خالی می‌کند. اکنون آن‌چه از بوچر در برابر اوست، کوچک‌ترین قرابتی با مجسمه‌ی پلیدی و خیانت و جنایت ندارد. او حالا پیرمردی است با ظاهری نامرتب و صورتی چه بسا ترحم‌انگیز که عمری را با ترس، حقارت، پستی و دون‌مایگی در غربت زنده‌گی کرده است.

شاید بتوان گفت به مرده‌یی می‌ماند که هیچ ندارد تا از او بستانند و با ستاندن آن، آتش خشم و کینه‌یی را فرو بنشانند. حتی ترس هم در صورت بوچر پیدا نیست. گویی منتظر منتقمی بوده تا با گذاردن نوک اسلحه بر شقیقه‌اش رستگاری را برایش به ارمغان بیاورد و از یک عمر مغفور و منزوی و گریزان بودن و یک عمر زنده‌گی همراه با رسوایی و غربت خلاصی یابد. با دیدن او هیچ پرسشی دیگر در ذهن هانس برانگیخته نمی‌شود.

دیگر جایی برای رویاپردازی و بازگرداندن حس و حال عاشقانه و رسیدن به ساحل آرامش زنده‌گی در کنار جولیا نمانی نیست. در نظر او کشتن موجود از پا افتاده و مفولکی که در برابرش نشسته، هیچ بویی از انتقام نخواهد داشت. دیگر حتی نیازی به زیستن هم نیست، اینجا ایستگاه آخر است. در واقع در جایی که کورسوی انگیزه‌ها و کشش‌های حیات‌بخش، پوچ و فرو ریخته به نظر می‌آیند، دیگر احتیاجی به ادامه دادن نیست. پس هانس که خود را پیش از این مهبای سفر با جولیا کرده و از ته آ جدا شده و تمام دارایی‌اش را به او بخشیده، تنها به یک قلم و دفتر نیاز دارد تا همه‌ی حقایق را بر آن ثبت کند و با آسوده‌گی مقابل آینه بایستد و مرگ را فرا بخواند.

می‌توان گفت این پیکولا است که مرگ را زودتر از بوچر می‌قاپد و آن را خریدار می‌شود؛ همان‌گونه که جولیا معشوقه‌اش نیز آن را طلب کرد و دست رد بر سینه هانس زد. او در برگ‌های آخر آلبوم خاطرات و عکس‌هایش، تصویر خود را بر آینه نظاره می‌کند و سرانجام بعد از سال‌ها کشمکش درونی با عشق، گذشته و نداشته‌ها و حسرت‌ها صاحب اراده و قوه تصمیم‌گیری می‌شود.

هانس تا پیش از ملاقات با بوچر، درگیر تصورات و توهمات بود که از گذشته درهم ریخته و خاطرات تلخ و شکست‌آلودش ریشه می‌گرفت، اما با سفر به زمان حال و ایستادن در برابر حقیقت، به نوعی به مبارزه با خود برمی‌خیزد و در مصاف

کهنه را تازه نگه می‌دارد. هانس هرلین ضد قهرمانش - قهرمانی شکست‌خورده و وامانده - را در مرز میان این احساسات متفاوت تا جایی پیش می‌برد که خود پیکولا نیز اعتراف می‌کند که برای آن تعریف و مرزبندی خاصی در ذهن ندارد و سراسر بی‌اراده و بی‌تصمیم و مرد است.

بی‌اراده‌گی و تردید هملت‌وار هانس لحظه به لحظه بیشتر می‌شود و او را به جلو می‌رانند و در انتهای کار هانس را به سرمنزل حقیقت می‌رساند؛ جایی که رو در رو با مسبب مرگ جولیا به مثابه نابودگر تمام آمل و هستی‌اش اسلحه را از جیب بیرون نمی‌آورد و تصمیم درست‌تری می‌گیرد. بوچر کسی است که تمام نفرت و کینه پیکولا از ابتدا متوجه اوست به گونه‌یی که خواننده هر لحظه تصور می‌کند که اگر بوچر زنده باشد تاوان سختی بابت فلاکت و دربه‌دردی و شکست روحی هانس خواهد پرداخت.

هانس او را عامل سقوط و ناکامی ابدی‌اش می‌داند؛ سقوطی که انتهایش گذشته و یادآوری گذشته و بر دوش کشیدن سنگی تا انتهای تاریخ خویش است. با این ذهنیت زمانی که فریتس لهر حقیقت را فاش می‌کند و محرز می‌شود که بوچر زنده است و از فریتس و گناهکاران سابق عهد نازیسیم، حق‌السکوت می‌گیرد و حالا هم فریتس - به عنوان فرد پیشیمان از گذشته - و هم پیکولا - با زخم‌های مانده بر تن - انگیزه‌یی مشترک یعنی قتل بوچر را دارند، هانس خود را در موقعیتی تازه می‌بیند. این موقعیت برای ضد قهرمانی چون پیکولا که هم‌چون قهرمانان تراژدی فاقد توانایی مبارزه با سرنوشت مقدر و رهایی از کابوس خاطرات است، حکم فروپاشی نهایی و تیر خلاص را دارد. این تیر خلاص در جریان ملاقات کوتاه او با بوچر و رو در رو شدن با کنه حقیقت بر جان می‌نشیند.

او به ملاقات صاحب کینه و نفرت می‌رود، در حالی که در یک دستش اسلحه است و در دست دیگرش کیفی پر از پول از طرف فریتس. هانس یا با دادن پول به بوچر به عمر ذلت و فلاکت خود و فریتس خواهد افزود و یا با نثار گلوله‌یی، انتقام جولیا و گذشته خود را گرفته و با جولیا حاضر برای همیشه رهسپار زنده‌گی جدیدی خواهد شد.

پیکولا هر آن‌چه را از بوچر در ذهن داشت و هر قدر که او را در ذهنش کشته بود، در لحظه اول دیدار فراموش می‌کند و بی‌این‌که

هر دو نیک می‌دانند که جدایی رسمی از یکدیگر دیر یا زود روابط سرد و تیره‌شان را پایان خواهد داد. زنده‌گی این دو به تعبیر پیکولا از همان آغاز، گسسته و شکست خورده بود، چرا که پیکولا نه فقط حالا و آینده، بلکه گذشته‌اش را نیز با عشق دختری به نام جولیا زیسته و حالا هم که جولیا بی در میان نیست، خاطرات و فرزند او (با نام جولیا) جایگزین شده‌اند و عشق و بی‌قراری هانس را تداوم می‌بخشند.

هانس عکاسی کهنه‌کار و سازنده کارت پستال است که از این طریق هم پیوسته با گذشته پیوند می‌خورد. آلبوم، عکس و کارت پستال خود نماد گذشته، روزگار قدیم و خاطرات به حساب می‌آید و این مساله برای هانس که گم‌شده و از دست داده‌یی در جنگ دارد، هم‌چون بهشت و جهنمی توأمان است. بخشی از خاطرات او، مربوط به دوران جوانی و آشنایی‌اش با جولیا و بخش عمده‌یی مربوط به سال‌های جنگ، جدا افتادن از جولیا و سر آخر مرگ او در اردوگاه‌های نازی‌هاست. بخش دیگری از رمان نیز بازتاب‌دهنده جهان آدم‌هایی است که می‌خواهند گذشته ناپاک‌شان را با نازی‌ها پاک کنند و به فراموشی بسپارند. اینان نیز مانند پیکولا متصل به گذشته‌اند و در واقع گذشته‌شان هم‌زاد آن‌هاست. (همان‌طور که مشروب هم‌زاد ته آ است.) هانس پیکولا بعد از سال‌ها دوری از معشوقه، از حضور جولیا در یک اردوگاه مطلع می‌شود و بی‌درنگ سراغ او می‌رود و تلاش می‌کند از طریق یک رابط جولیا را از اردوگاه خارج کند.

جولیا از آمدن سر باز می‌زند و تنها چیزی که از هانس طلب می‌کند، نجات جان دخترش است؛ دختری که سخنی از پدرش به میان نمی‌آید و هانس نیز تلاشی برای دانستن آن به خرج نمی‌دهد. هانس دختر - جولیا - را در حالی بزرگ می‌کند که شوق انتقام‌جویی از مسبب مرگ جولیا همواره با اوست و حسرت می‌خورد که چرا قاتل (بوچر) در یک سانحه کشته شد و از تیررس کینه او در امان ماند.

حال جولیا بزرگ شده و هانس به جای مادر، عاشق دختر شده است؛ در حالی که دختر نه خبر از پدر بودن هانس دارد و نه فریتس پدر واقعی‌اش را می‌شناسد. در حقیقت پیکولا به جای جولیا مادر، عاشق جولیا دختر شده است بی‌آن‌که واقعا بداند یا بتواند بداند که آیا این عشق جدا از عشق جولیاست یا ادامه همان خواهش و تمنای فرومانده‌اش است. او از یک سو خود را بابت ناتوانی از نجات جان جولیا و مجاب ساختن وی به گریز از اردوگاه مقصر می‌پندارد و از سوی دیگر، عشق او را یک لحظه وانمی‌گذارد و ناخودآگاه دختر بازمانده‌اش را به جای او می‌نشاند و زخم

اسطوره‌ها و کهن‌الگوها به‌طور پیاپی در زنده‌گی آدمیان - در هر نقطه، نژاد و فرهنگی - تکرار و باز تولید می‌شوند. به عبارتی می‌توان گفت انسان با اسطوره زنده‌گی می‌کند. زنده‌گی با اسطوره و الگوهای پیوسته تکرارشونده، چیزی نیست که مطابق میل و اراده به‌دست بیاید، بلکه از آن‌جا که انسان به‌واسطه انسانیتش زیستی یکسان و پیوسته دارد، از این رو همراهی ناگزیرش با انگاره‌های اساطیری و مفاهیم ازلی و ابدی، امری درون‌نهاد و بدیهی می‌نماید.

شکست، پیروزی، عشق، نفرت، جبر، آزادی و... همه از جمله نمونه‌های بشری و غیرقابل‌گریزی هستند که انسان با وجود کوچکی و حقارت (از جهتی) و بزرگی و شرافت (از جهتی دیگر) از طریق آن‌ها رویارویی با حقیقت، واقعیت رویا و کابوس را تجربه کرده و از قبال مجموع تجربیات عینی و شنیدنی و ذهنی‌اش، خود به تاریخی منتقل و منحصر به فرد بدل شده است.

آلبوم خاطرات هانس هرلین - داستان‌نویس آلمانی - داستانی متکی بر خاطره‌گویی، دایره‌وار و با پایانی باز است که با به تصویر کشیدن دیروز و امروز و آینده شخصیتی به نام هانس پیکولا، تاریخی فراتر از بشر معاصر خود را بازتاب داده است. گرچه رمان از منظر زمان و مکان داستانی، به وقایع حین و بعد از جنگ جهانی دوم در آلمان می‌پردازد، اما با توجه به ترسیم نقش برجسته‌یی از قهرمان (ضد قهرمان) خود در تار و پود گرفتاری‌ها و دشواری‌های ازلی و بشری، نمایی روشن و در عین حال تیره و تراژیک از وضعیت انسان به دست داده است.

شاید بتوان هانس پیکولا آلبوم خاطرات را نمادی از شکست تمام‌عیار انسان اروپایی، فروپاشی تدریجی و اضمحلال دردناک انسانیت پس از جنگ و هم‌چنین اراده مخدوش و متزلزل بشر قرن بیستمی به شمار آورد؛ اما همه این تعبیر و تفاسیر را تنها تا فصل ما قبل پایانی رمان می‌توان کافی و گویا دانست. بدون شک بهت و سرگیجه خواننده بعد از ضربه‌یی که نویسنده - راوی در فصل انتهایی بر او فرود می‌آورد، به آسانی قابل‌تقلیل نیست.

آنجا نقطه‌یی است که می‌توان آن را نه تنها نقطه اوج هنرنمایی نویسنده در ارائه سبک روایی خاص و غافل‌گیرسازی خواننده، بلکه تمام‌کننده یک تراژدی نو و هاراگیری مدرن دانست. راوی رمان عکاسی خیری است که گذشته را مثل آدم‌های معمولی به یاد نمی‌آورد، بلکه گذشته همواره با او و درون اوست و او از خاطرات حرکت می‌کند تا به حال برسد. حکایت زنده‌گی فعلی او، حکایت سرد و نومیدکننده است. او با همسرش «ته آ» به بن‌بست رسیده و



## نورالحق علمی:

# همه به ستوه آمده‌اند



رییس جبهه ملی مردم افغانستان، وضعیت موجود در کشور را ناشی از ضعف مدیریت رهبران حکومت دانسته و می‌گوید که از این وضع نه تنها مردم که جامعه جهانی به ستوه آمده است. جبهه ملی مردم افغانستان، به عنوان اپوزیسیون حکومت به هدف تحکیم وحدت ملی، روز شنبه (۱۴ دلو) در کابل اعلام موجودیت کرد. مسوولان این جبهه، سیاست‌های حکومت را به دلیل تشدید اختلافات قومی و مدیریت ضعیف ارگان‌های حکومتی به شدت مورد انتقاد قرار دادند. نورالحق علوم وزیر پیشین امور داخله و رییس جبهه ملی مردم افغانستان در این نشست با اشاره به وضع نا بسامان کنونی بیان داشت که این وضعیت که نتیجه عدم انتخاب مدیران با کفایت در راس حکومت افغانستان است مردم و جامعه جهانی را به ستوه آورده است. وی با اشاره به عوامل بیرونی جنگ افغانستان گفت

که قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای همیشه به دلایل ذخایر انبوه زیر زمینی و موقعیت حساس ژئوپولیتیک با استفاده از ابزارهای مختلف همچون تروریسم و مواد مخدر افغانستان را مورد تاخت و تاز قرار داده و نامی را دوام بخشیده‌اند. علمی نقش پاکستان را در آغاز و دوام جنگ در افغانستان برجسته خوانده تصریح کرد که این کشور که از بدو تولد تا کنون سردشمنی با افغانستان و کشورهای منطقه داشته در جریان چهل سال اخیر بنیادگرایی را به افغانستان صادر کرده و از این جهت خواسته است که افغانستان را به عمق استراتژی خود تبدیل کند. به گفته وی خط دپورند که یکی از عمده ترین عوامل جنگ بوده و میراث برجای مانده از استعمار به حساب می‌آید همواره مورد بهره برداری پاکستان برای حمایت از تروریسم در کشور بوده است. آقای علمی با بیان آنکه دپورند یکی از عوامل اصلی

## افغانستان به پنج کشور دیگر راه می‌شود

قرار است که میان افغانستان و پنج کشور دیگر جهت رشد صادرات کشور دهلیزها هوایی گشایش یابد. خان جان الکوزی، معاون اتاق تجارت کشور به تلویزیون یک گفت که این دهلیزهای افغانستان را به قزاقستان، آذربایجان، اندونزی، امارات متحده عربی و عربستان سعودی وصل کند. آقای الکوزی هدف از ایجاد این دهلیزها را رشد میزان صادرات کشور خواند و بیان داشت که برای عملی کردن آن بیش از پنج میلیون دلار بودجه در نظر گرفته شده است. او گفت که این پروژه‌ها در حال جریان است و سال آینده با فرا رسیدن فصل میوه، همه این دهلیزها به روی صادرات کشور گشایش خواهد یافت. از سویی هم سید عظیم مصطفی هاشمی، رییس انکشاف صادرات کشمش، میوه‌های خشک و تازه کشور گفت که افزون بر افزایش صادرات؛ دهلیزهای هوایی بازارهای جدید را برای میوه‌های کشور ایجاد کرده است. نخستین دهلیز هوایی افغانستان که امسال گشایش یافت، افغانستان را به سه شهر عمده هند وصل کرد. گشایش دهلیز هوایی کابل - دهلی نو و کابل - ممبی صادرات کشور را ۴۴ درصد افزایش داده است. از طریق دهلیزهای هوایی کابل - دهلی و کابل ممبی تا اکنون بیش از ۲۰ هزار تن میوه تازه به بازارهای دهلی و ممبی انتقال یافته است و در حال حاضر نیز میوه‌های خشک و نباتات طبی افغانستان به هند انتقال می‌یابد. بر بنیاد آمار اتاق تجارت کشور، در نه ماه گذشته افغانستان به ارزش بیش از ششصد میلیون دلار فرآورده‌هایش را به کشورهای خارجی صادر کرده است.

جنگ در افغانستان است اظهار داشت که این معضل زمینه دخالت پاکستان را فراهم کرده اما حل شدن آن منجر به ختم جنگ نیز نخواهد شد. وی، سفر مسوولان امنیتی افغانستان به پاکستان به خاطر ارائه اسناد و شواهد در پیوند به حمایت پاکستان از گروه‌های تروریستی که چند روز پیش صورت گرفت را مورد انتقاد قرار داده گفت که این هم اکنون جامعه جهانی متقاعد شده که پاکستان از گروه‌های تروریستی حمایت می‌کند، اسناد یاد شده نیز در شورای امنیت سازمان ملل مطرح می‌شد نه به پاکستان. آقای علمی همچنان، استراتژی جدید جنگی امریکا در امور افغانستان و جنوب آسیا را فرصتی برای کاهش دامنه جنگ در افغانستان خواند، اما تصریح کرد که مشکل کشور راه حل جنگی ندارد و باید حامیان تروریسم به صلح کشانده شده و از این طریق گروه‌های مسلح نیز به صلح تشویق شوند. وی در ادامه سیاست‌های سه سال گذشته سران حکومت را مورد انتقاد قرار داده اظهار داشت که در جریان این سه سال رهبران حکومت سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن را به پیش گرفته اند که این سیاست نتیجه مثبت نداد بلکه اختلافات را بیشتر کرده و باعث تقویت گروه‌های تروریستی شده است. وی با اشاره به تنش‌هایی که بین رهبری حکومت و سیاست‌مداران هر از چند گاهی بالا می‌گیرد بیان داشت که این تنش‌ها نتیجه تطبیق نشدن مواد توافقنامه حکومت وحدت ملی و مدیریت ضعیف رهبری حکومت بوده و همه روزه زمینه سر بازگویی را برای گروه‌های تروریستی مساعد کرده است. وی در اخیر خاطر نشان ساخت که اگر رهبری حکومت و جریان‌های مختلف سیاسی به یک تفاهم و وفاق ملی دست نیابند و منافع ملی را در اولویت قرار ندهند، دخالت قدرت‌ها در کشور ادامه یافته و جنگ پایان نخواهد یافت. رییس جبهه ملی مردم افغانستان خواهان راه اندازی انتخابات شفافی و به موقع شده و از تمام جریان‌های سیاسی و اقلیت‌های مختلف مردم خواست که برای ختم جنگ در کشور همه دست به دست هم دهند.

## جرایم جنگی در افغانستان

### روی میز دادگاه کیفری بین‌المللی



همچنین یکی دیگر از متهمان، طالبان است. بسیاری در افغانستان امیدوارند که دادگاه کیفری بین‌المللی بتواند به آنها کمک کند که فعالیت گروه‌های شورشی را در کشور متوقف کرده و آنها را به پای دادگاه بکشاند. سمیرا ۳۲ ساله در یک بمب‌گذاری انتحاری طالبان در

قضات دادگاه کیفری بین‌المللی آغاز تحقیقات رسمی در مورد احتمال وقوع جرائم جنگی در افغانستان را بررسی می‌کنند. به گزارش خبرگزاری رویترز، قرار است این قضات نامه‌ها و تقاضاهای ارسال شده از سوی قربانیان در افغانستان را بررسی کرده و سپس تصمیم بگیرند. در سال ۲۰۱۷ فانو بنسودا دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی اعلام کرد که دلایل منطقی مبنی بر اینکه جرائم جنگی اتفاق افتاده است وجود دارد. برخی از محکومان از طالبان، سیا و نیروهای افغان هستند. بی‌بی‌سی مطلع شده است که نام یکی از مقامات سطوح عالی افغانستان نیز در این دادگاه مطرح شده که این فرد جنرال عبدالرشید دوستم است. ادعاهایی مبنی بر سوءاستفاده‌های حقوق بشری توسط معاون اول رییس‌جمهور وجود دارد. وی در حال حاضر در ترکیه به سر می‌برد. در اواخر سال ۲۰۱۶ احمد ایشچی، رقیب سیاسی جنرال دوستم اعلام کرد که وی بنا به دستور او مورد ضرب و شتم قرار گرفته و همچنین وی به محافظانش گفته است که به او تجاوز و از او فیلمبرداری کنند. جنرال دوستم این اتهامات را رد کرد و در ماه می ۲۰۱۷ برای درمان پزشکی به ترکیه رفت اما برخی از تحلیلگران بر این باورند که وی تحت فشار افغانستان را ترک کرده است. جنرال دوستم تلاش کرد که در ماه جولای ۲۰۱۷ به افغانستان بازگردد اما به هوایی وی اجازه فرود داده نشد و اکنون او هنوز در ترکیه به سر می‌برد.

### محکمه صحرایی یک بانوی...

تیز در شماری از ولایت‌ها از جمله ولایت غور رخ داده است. حدود دو سال پیش یک دختر جوان به نام رخشانه به اتهام فرار با یک مرد از سوی ساکنان محل در شهر فیروز کوه سنگ‌سار شد. نشر ویدیوی سنگسار رخشانه واکنش‌های زیادی در شبکه‌های اجتماعی داشت و مقام‌های دولتی آن را جنایت خواندند. در کنار رخشانه، چندین دختر جوان دیگر در این ولایت از سوی افراد مسلح غیر مسوول و بزرگان و عالمان دینی محلی به گونه صحرایی سنگ‌سار و یا تیر باران شده‌اند. پس از دست به دست شدن ویدیوی محکمه صحرایی این بانوی جوان در تخار، اداره مستقل ارگان‌های محلی نیز در خبرنگار ای گفته است که مقام‌های محلی این ولایت موضوع را با جدیت بررسی کنند و عاملان این قضیه را به پنجه قانون بسپارند. در خبرنگار اداره ارگان‌های محلی آمده است که بررسی این مساله برای آنها مهم است و به مقام‌های محلی دستور داده شده است که آن را پی‌گیری کنند. ولایت‌های شمالی، غربی و ولایت‌های شرقی همواره مکان‌های غیر مطمئن برای زنان و به ویژه دختران جوان اند. در سال جاری، ده‌ها مورد قتل، خودکشی و خشونت‌های تکان دهنده با زنان در ولایت‌های شمالی، سمنگان، سرپل، جوزجان، فاریاب و همین ولایت تخار گزارش شده است.

## د نشه‌ی مواد پر ضد خلکو ته تبلیغ په اړه له دیني عالمانو غوښتنه



غونډو کې خپل رسالت ادا کړی او هغه څه چې خدای او رسول ویلي، دوی خلکو ته رسولی دي. کوکنار، چرس او شراب حرام دي. راځئ هر هغه څه چې عقل خرابوي، په مقابل کې یې عملي اقدام وکړو. په دې ناسته کې د کابل والي یعقوب حیدري هم ګډون کړی و او د کابل په ځینو ولسوالیو کې یې د کوکنارو د کښت په اړه اندېښنه وښوده. ده پاکستان په افغانستان کې د مخدره موادو د رواجولو او عامولو ستر لامل یاد کړ او له دیني علماوو، عامو خلکو او نړېوالې ټولني څخه یې وغوښتل چې په دې مبارزه کې د افغان حکومت ترڅنګ ودرېږي او په ګډه د مخدره موادو او مسکراتو پر ضد مبارزه وکړي.

وزارت مسؤلیت لري چې د نشه‌یي موادو په برخه کې خلکو ته عامه پوهاوی ورکړي. د جوماتونو او تکیه خانو له منبرونو څخه د نشه‌یي موادو پر خلاف غږ پورته کول او د نشه‌یي موادو د زیانونو په اړه عام خلک پوهول هغه مهم کارونه دي چې د ملي عمل د پنځه کلن پلان له مخې د حج او اوقافو وزارت ورباندې مکلف کېدل شوي دي.

خو دیني علماء بیا وایي چې دوی تل د نشه‌یي موادو د زیانونو په اړه خلکو ته پوهاوی ورکړی او په دې برخه کې یې خپل رسالت او مسؤلیت ادا کړی دی. یو دیني عالم او د کابل د ولایتي شورا غړی عطاالله فیضاني وویل: «له علماوو سره دغه مجلس ګټور او اغېزناک مجلس دی، علماوو تل په جوماتونو او

پر ضد مبارزه امکان نه لري، موږ له تاسو غوښتنه کوو چې په دې اسلامي او ملي وجیبه کې له موږ سره یوځای شئ! له همدې ځایه شروع وکړئ، د جمعي په خطبه او بل هر ځای کې چې ستاسې نصیحتونه خلک اوري د مخدره موادو پر خلاف او له دې عمل نه د ځوانانو د خلاصون په اړه خلکو ته پوهاوی ورکړئ.» د مخدره موادو پر وړاندې د مبارزې وزارت داسې مهال د نشه‌یي موادو پر ضد د دیني علماوو پر ونډه ټینګار کوي چې تردې وړاندې دې وزارت ویلي وو چې د حج او اوقافو وزارت د نشه‌یي موادو پر ضد د عامه پوهاوي په برخه کې خپل مسؤلیتونه په سمه توګه نه دي ادا کړي. له نشه‌یي موادو سره د مبارزې وزارت د پنځه کلن ملي عمل پلان له مخې د حج او اوقافو

د مخدره موادو پر وړاندې د مبارزې وزارت وایي، دیني عالمان د کوکنارو د کښت، تولید، قاچاق او استعمال په برخه کې د تبلیغاتو له لارې مؤثر او ګټور رول لوبولی شي. دا خبره د دې وزارت د ستراتيژۍ او پالېسي مرستیال، جاوید احمد قایم پروډ د نشه‌یي موادو پر ضد د کابل ښار او ولسوالیو د علماوو په ناسته کې مطرح کړه او له هغوی یې وغوښتل چې په دې مبارزه کې د دوی له وزارت سره یوځای شي. ښاغلي قایم وویل، دیني علماء کولای شي د اسلام په رڼا کې د منبرونو او جوماتونو له لارې د مخدره موادو د زیانونو په اړه خلکو ته معلومات ورکړي. نوموړی وایي: «زموږ غوښتنه له تاسو دا ده او اعتراف کوو چې ستاسې د همکارۍ پرته د مخدره موادو

**فیسبوک نامه**



عبدالشکور واقف حکیمی

**آقای حکمتیار در مصاحبه با طلوع:** «...اگر کسی یک اشتباه مرا نشان بدهد، من بی درنگ معذرت خواهم خواست». این سخن آقای حکمتیار بدین معنا است که ایشان یک بار هم اشتباه نکرده اند. این مقال آقای حکمتیار مرا به یاد زمانی انداخت که در اوایل حکومت آقای کرزی، تلویزیون طلوع در یکی از برنامه‌هایش گفت‌وگویی در باره کارکردهای احزاب سیاسی در افغانستان برگزار کرده بود که من به نمایندگی از جمعیت و مرحوم صبغت‌الله سنجر، به نمایندگی از حزب جمهوری خواهان افغانستان در این گفت‌وگو شرکت کرده بودیم.

گرداننده برنامه به نوبت در خلال پرسش‌ها، از هر کدام ما پرسید: «حزب شما تاکنون مرتکب چه اشتباهاتی شده است؟» آقای سنجر در پاسخ گفت: «حزب ما مرتکب هیچ اشتباهی نشده است» و من در پاسخ این پرسش گفتم: حزب ما (جمعیت اسلامی افغانستان) زیاد اشتباه کرده است.

چقدر؟

به حدی که حساب ندارد

آقای سنجر می‌گوید که حزب آنان اشتباهی نکرده است.

پاسخ دادم: ایشان درست می‌گویند؛ اگر حزب ما هم مانند حزب آنان بود، شاید اشتباهی نمی‌کرد. جمعیت در نزدیک به چهار دهه تاریخ معاصر کشور، یا سازنده حوادث بزرگ بوده است یا شریک در ساختن آنها؛ هرکس زیاد کار کند، لاجرم اشتباه هم کند. برخی از دوستان جمعیتی ما که این بحث را دیده بودند، اعتراض داشتند که چرا من این سخن را گفتم که حزب ما مرتکب اشتباهاتی شده است. آنان به سان آقای حکمتیار گمان می‌بردند که آنان شاید اشتباه نکنند. از قضا استاد شهید هم این برنامه را دیده بود. استاد به دفاع از موضع پرداخت و گفت ما باید اشتباهات مان را پیش از دیگران خودمان باز گوئیم.

من به یاد دارم که در این برنامه برای اثبات مدعای خویش به این حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، استشهد کرده بودم: کل بنی آدم خطاؤون و خیر الخطائین التوابون. همه آدمیان ممکن است خطا کنند باشند و بهترین خطا کننده‌گان، توبت کننده‌گان اند. اما آقای حکمتیار چنان سخن گفتند که گویا دارای مرتبت عصمت بوده و از ایشان لغزشی سر نزده و نخواهد زد. در حالی که همه آدمیان جایز الخطا اند و جز پیامبران، هیچ کسی از مرتبت عصمت برخوردار نیست و میان علمای مسلمانان حتا در باره چگونگی عصمت پیامبران اختلاف نظر وجود دارد که آیا پیامبران از کبایر و صغایر معصوم اند یا تنها از کبایر؟ پیش از بحث معصوم اند یا پس از بحث؟ که پرداختن به تفصیل این موضوع، مقالتی طویل می‌خواهد.

این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم - در حدیثی که بخاری روایت می‌کند، می‌گویند: «إني لأستغفر الله و أتوب إليه في اليوم أكثر من سبعين مرة». من از خدا در هر روز هفتاد بار مغفرت می‌طلبم و توبه می‌کنم؛ در توجیه آن دانشمندان به دو قول رفته اند؛ شماری آن را توبت و مغفرت از خلاف اولی گفته اند و عده‌ی آن را تعلیم به امت خوانده اند. وقتی پیامبر از خلاف اولی مغفرت می‌طلبد، انسان‌های عادی به طریق اولی باید از خطاها و اشتباهات و گناهان‌شان توبت کنند و مغفرت بخواهند.

وحید عمر



له هغو خخه چي وايي دري او فارسي دوه جدا ژبي دي، زه يوه لنډه پوښتنه لرم. ټول تاريخي او ادبي او سياسي بحثونه پرېږدئ، بس دغه يو ډير عادي پوښتنې ته ځواب راکړئ. که مو ځواب راکړ، زه به هم له تاسو سره شم.

احمد ظاهر افغان وو. فروغ فرخزاد ایرانی. وه. اوس که چیرې احمدظاهر د فروغ فرخزاد په شعر سندرې جوړه کړې وي، دا سندرې فارسي شوه که دري؟ مثال: دا احمد ظاهر مشهوره سندرې «مرگ من روزی فرا خواهد رسید» چې شعر یې د ایراني فروغ فرخزاد دی، فارسي ده که دري؟ نوبت: په دې اړه ما تحقیق ډیر کړی. په دغه بحث کې منطق نشته. باید ختم یې کړو.

یاسین رسولی



دیپلوماسی اقدام مناسب در زمان مناسب است. اشرف غنی غلط بازی کرد؛ به جای این که خشم و نفرت مردم را از رفتار پاکستان منتقل کند، وزیران امنیتی را به اسلام‌آباد فرستاد، آنان هم گزارش غلط از سفر بی‌نتیجه‌شان به مردم دادند که سفارت پاکستان در کابل همه‌اش را رد کرد. بهترین واکنش افغانستان در برابر پاکستان، قطع کامل مناسبات سیاسی و در مرحله بعدی، تحریم اقتصادی و تجارتي و در مرحله بعدی هم مقابله به مثل امنیتی باید باشد. هزار بار سفر تشریفاتی بی‌معنا به پاکستان هیچ تغییری در سیاست این کشور ایجاد نمی‌کند.

**تجارب و پیامهای اندونزی برای افغانستان**

**ضیا دانش**

کشور اندونیزی در روزگار نچندان دور، مشابهت‌های بسیاری با افغانستان داشت؛ سابقه اشغال توسط کشورهای خارجی، جنگ‌های داخلی، فساد اداری وسیع و سازمان‌یافته، ثروت فراوان و فقر گسترده، تجزیه‌طلبی، مداخلات منطقه‌ی و... اما امروز اندونزی، یکی از کشورهای موفق جهان و ممالک اسلامی است که به سرعت در حال رشد و تبدیل شدن به یک الگو می‌باشد.

**مبارزه با فساد اداری:**

زمانی اندونزی یکی از فاسدترین کشورهای جهان بود؛ رشوه‌خوری گسترده در بخش‌های مختلف در حد گسترده رواج داشت، اما در حال حاضر، این کشور به صورت قابل ملاحظه‌ی موفق شده که وجهه جهانی خود در مبارزه با فساد اداری را ترمیم کرده و جایگاه بهتری در رده‌بندی جهانی به دست آورد. افغانستان می‌تواند در برنامه‌های خود برای مبارزه با فساد اداری، از تجارب و اندوخته‌های این کشور استفاده کند.

**نبرد موفقانه با افراط‌گرایی و تروریسم:**

جنايت تروريستان در جزیره بالی در سال ۲۰۰۲ که در آن بیش از ۲۰۰ تن کشته شد، هنوز هم یک حادثه فراموش نشدنی تلقی می‌شود. اندونزی بارها شاهد اقدامات و حملات تروریستی بوده، اما موفقیت نیروهای ضد تروریسم این کشور که اکثر از جانب امریکا آموزش دیده، به خوبی توانسته است امنیت را در هفده هزار جزیره پراکنده با مساحت ۵۰۰۰ هزار کیلومتر، تأمین کند و این تجربه گران‌بهایی است که می‌تواند نهادهای امنیتی افغانستان را در مقابله با تروریسم کمک کند.

**اشتغال‌زایی و مبارزه با فقر:**

اندونزی موفق شد در پی اتخاذ یک سلسله برنامه‌های اصلاحی در دوره دوم حاکمیت سوهارتو، با فقر به خوبی مبارزه کرده و میزان بیکاری در این کشور را به شدت تغییر دهد. این کشور در طی مدت زمان حدود بیست سال، مبارزه موفقانه با فقر داشت که این تجارب در کشوری مثل افغانستان، هم به دلیل فقر گسترده و هم به خاطر گسترده بودن بیکاری، خالی از اثرات مثبت نخواهد بود.

**کثرت فرهنگی - قومی و وحدت ملی:**

در اندونزی به بیش از ۷۰۰ زبان تکلم می‌شود. بیشتر از ۳۰۰ قوم مختلف با شش دین و مذهب متفاوت در کنار هم زنده‌گی می‌کنند و شعار دولت آن‌ها نیز «اتحاد در عین تفاوت» است. موفقیت این کشور در ایجاد چنین زنده‌گی مسالمت‌آمیز برای افغانستان که دارای اقوام، زبان‌ها و خرده فرهنگ‌های متفاوت می‌باشد، قطعاً نکات آموزشی دارد.

**منازعات داخلی به خاطر دخالت‌های خارجی:**

اندونزی تجارب تلخی از منازعات داخلی نیز دارد که حاصل دست‌درازی‌های منطقه‌ی و فرماندهی‌ی است. افغانستان نیز تجربه مشابهی دارد که بیش از چهار سال است گریبان کشور را گرفته و حالا اندونزی می‌تواند این تجربه را با افغانستان شریک کند که چگونه توانست در برابر این دست‌اندازی‌ها مقابله کرد و موفق شد دست آنان را از مداخله در امور داخلی‌شان کوتاه کند.

**رشد اقتصادی:**

اندونزی تجربه عمیق و موثر در رشد اقتصادی دارد؛ این کشور از اواسط دهه ۱۹۹۰، فراز و نشیب‌های سخت اقتصادی را پشت سر گذاشت و در نهایت موفق شد که به یک اقتصاد با ثبات و متحرک دست پیدا کند. این کشور می‌تواند تجارب خود برای عبور از بحران‌های اقتصادی ناشی از مشکلات چون ناامنی، مداخله خارجی، فقر و... با افغانستان شریک کند.

**صلح و ثبات:**

اندونزی با بخشی از مناطق این کشور به مدت بیش از سی سال درگیری داشت و سرانجام موفق شد که به صلح پایدار و دایمی دست پیدا کند. در حال حاضر، این کشور حتا برای برقراری صلح و ثبات در منطقه جنوب آسیا، طرح صلح پایدار ارائه کرده و برای کشورهای جهان، به عنوان یکی از کشورهای شناخته می‌شود که تجارب ارزشمندی در ایجاد صلح دارد. افغانستان دقیقاً به همین تجربه چشم دوخته و از این کشور خواسته است که در تأمین صلح پایدار کمک کند.

البته مواردی دیگری نیز هست مثل تجارب کافی در استفاده از معادن، زراعت، آموزش و تحصیلات، پیشرفت‌های تکنیکی و... که اندونزی می‌تواند به عنوان یک کشور مسلمان و در عین حال، با سرگذشت مشابه افغانستان، در اختیار ما بگذارد.

**حقوق رونالدو با نیمار برابر می‌شود**



ظاهراً تلاش‌های رونالدو برای متقاعد کردن رییس کلهکشانی‌ها جهت افزایش حقوقش ثمربخش بوده است. نشریه ABC اسپانیا در گزارشی مدعی شده که باشگاه رئال مادرید حقوق کریستیانو رونالدو را در پایان فصل جاری افزایش می‌دهد. مهاجم پرتغالی کلهکشانی‌ها در حال حاضر ۲۱ میلیون یورو در هر فصل حقوق می‌گیرد که با احتساب پاداش‌ها، این رقم به ۲۵ میلیون یورو می‌رسد. فلورنتینو پرس، رییس باشگاه رئال مادرید، اما قصد دارد این رقم را به ۳۰ میلیون یورو افزایش دهد که در این صورت حقوق رونالدو هم اندازه حقوقی می‌شود که نیمار در هر فصل از پاری سن ژرمن دریافت می‌کند.

به این ترتیب، افزایش حقوق رونالدو در تابستان به میزان ۹ میلیون در هر فصل خواهد بود. طبق اعلام ABC، رونالدو در گفت‌وگویی که با مدیران باشگاه داشته، به آنان گفته است که می‌خواهد به دوران بازیگری‌اش در رئال مادرید ادامه دهد، اما از آنان خواسته که حقوق او را هم افزایش دهند. این در حالی است که رونالدو در حال سپری کردن بدترین فصل دوران بازیگری خود در رئال مادرید از حیث آمار گلزنی است.

**پیشنهاد ۶۰ میلیون پوندی یک تیم ایتالیایی برای خرید ایکاردی**



در روزهایی که گفته می‌شود رئال مادرید مشتری پروپا قرص مهاجم اینتر است، رییس یک تیم ایتالیایی هم از تلاش برای خرید این بازیکن آرژانتینی خبر داد. اورلیسو دلورتیس، رییس باشگاه ناپولی تأیید کرد که او برای خرید مانورو ایکاردی از اینتر به این باشگاه ۶۰ میلیون یورو پیشنهاد کرده، اما پیشنهاد رد شده است.

بعد از انتقال ۹۰ میلیون یورویی گونسالو ایگواین از ناپولی به یونتوس در تابستان سال ۲۰۱۶، اخباری منتشر شد مبنی بر این که ناپولی برای خرید ایکاردی دست به کار شده است. اکنون دلورتیس اعتراف کرده که با مدیر برنامه‌های ایکاردی جلسه‌ی هم داشته و با او در خصوص بازی موکلش در ناپولی صحبت کرده است.

رییس باشگاه ناپولی در این باره گفت: من یک روز با مدیر برنامه‌های ایکاردی در دفتر کارش صحبت کردم و گفتم که برای خرید او حاضرم ۵۵ تا ۶۰ میلیون یورو بپردازم. ما حتا در باره سایر شروط قرارداد هم صحبت کردیم. دلورتیس ادامه داد: ایکاردی یک مهاجم طراز اول است که اگر زیر نظر مانوریسسیو ساری (سرمری ناپولی) بازی کند، می‌تواند در هر فصل ۴۰ گل بزند. او پتانسیل تبدیل شدن به بازیکنی مانند رونالدو را دارد.

# Mandegar

## یک عضو تیم ملی بانوان وزن بردار:

# با مشکلات زیاد مواجهام

رسیده‌گی کنند. زیر دولت در این عرصه با ورزشکاران همکاری نمی‌کنند. بانو زریاب می‌گوید که از خانواده به ورزش روی آورده است که برایش "گرفتن نام ورزش در آنجا چالش ایجاد می‌کند"، اما با تمام چالش‌ها برای پیش‌برد اهداف خود مبارزه کرده است. او باور دارد که تنها گزینه موفقیت او استفاده‌گی در برابر چالش‌های خانواده‌گی و اجتماعی بوده است. او می‌گوید: هرچند خانواده در کل با کارهای او موافق نبوده‌اند، اما به مرور زمان این قناعت برایشان حاصل شده است تا با او در شته‌های مورد علاقه‌اش همکاری داشته باشند.



ارتقای ظرفیت بانوان ورزشکار ندارد. اما هیچ‌گاه متوقف نشده است. به گفته او، وقتی یک ورزشکار در داخل افغانستان مصونیت ندارد، این یک چالش است، در حالی که همه ورزشکاران و از هر رشته‌ی تلاش می‌کنند تا برای کشور خود افتخار کمایی کنند، اما توجه دولت در عرصه همکاری مالی با ورزشکاران به‌ویژه بانوان ورزشکار نهایت اندک است. او گفت: چالش‌های اقتصادی سبب می‌شود تا ورزشکاران نتوانند به تمرین‌های خود به شکل درست

او می‌گوید که چند مرتبه از طرف افرادی تهدید به تیزآب پاشی به چهره شده است، اما هیچ‌گاه این موضوعات سبب متوقف شدن فعالیت‌های او نشده است.

بانو زریاب می‌گوید: تاهنوز در زنده‌گی خود از هیچ ورزش‌کاری الگو نگرفته است.

او به کمیته ملی المپیک و ریاست تربیت بدنی پیشنهاد می‌کند تا راهبردهای تشویقی برای جذب بانوان در رشته‌های مختلف ورزشی راه‌اندازی کنند تا بانوان نیز بتوانند مانند سایر ورزشکاران در رشته‌ها مورد علاقه خویش به تمرین بپردازند.

### ابوبکر صدیق

تمنا زریاب پریانی، عضو تیم ملی بانوان وزن بردار، می‌گوید که کمیته ملی المپیک و ریاست تربیت بدنی هیچ راهبردی برای انکشاف و تشویق بانوان ورزشکار ندارند.

بانو زریاب که عضو تیم ملی بانوان «وایت لیفتینگ» یا وزن برداری است، می‌گوید: بیش از یک سال و نیم می‌شود که در رشته وزن برداری تمرین می‌کنم و از یک سال به این طرف عضویت تیم ملی بانوان وزن بردار کشور است.

او می‌گوید که مسابقات وزن برداری بانوان که برای نخستین بار در اول ماه دلو سال جاری در کابل برگزار شده بود ۱۲ بانو از سراسر کشور اشتراک کرده بودند.

بانو زریاب که در این دور مسابقات مقام نخست را در وزن ۵۲ کیلو کسب کرده است و مدال طلا گرفته می‌گوید: این اولین مسابقه وزن برداری در میان بانوان در افغانستان برگزار شده بود و پیش از این هیچ مسابقه در این رشته میان بانوان برگزار نشده بود.

این عضو تیم ملی بانوان وزن بردار می‌گوید که بیش از ۱۵ بانو عضویت تیم ملی رشته وزن برداری را در ریاست تربیت بدنی دارند، اما با انتقاد از ریاست تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک، می‌افزاید: این نهادها برنامه‌ی برای

## محکمه صحرایی یک بانوی جوان در تخار بررسی می‌شود



به دنبال نشر ویدیویی از محکمه صحرایی یک بانوی جوان در ولایت تخار، مسوولان محلی این ولایت می‌گویند که این محکمه صحرایی از سوی خانواده این بانو در منطقه‌ای دور افتاده‌ای به نام «رباط» در ولسوالی چاه‌آب صورت گرفته است. در ویدیوی نشر شده از جریان این محکمه صحرایی دیده می‌شود که بانویی از سوی چند فرد با خمچه‌های چوب در انتظار عمومی مورد لت و کوب قرار می‌گیرد. مسوولان محلی می‌گویند که این بانو که بیش از ۲۰ سال سن دارد و عروسی کرده است اما شوهرش در ایران است.

خلیل اسیر سخنگوی فرماندهی پولیس تخار به هشدار می‌گوید که براساس تحقیقات اولیه آنان، خانواده این دختر خیر می‌شوند که یک پسر جوان در خانه این بانو داخل شده و اعضای خانواده پسر و خانم را تنها می‌بینند و پس از آن، این بانو اول از سوی خانواده‌اش لت و کوب می‌شود و سپس از سوی اقارب نزدیکش محکمه صحرایی می‌شود. آقای اسیر می‌گوید که خسر این بانو نیز در محکمه صحرایی این بانو حضور دارد. به گفته او، این بانو خواهرزاده یکی از قوماندان‌های قریه رباط به نام «قوماندان فیض» است و گویا با پسر اندر این قوماندان محلی رابطه عاشقانه داشته است. آقای اسیر می‌گوید، که موضوع هنوز هم برای آنان تثبیت نشده است.

سخنگوی فرماندهی پولیس تخار می‌گوید که این قضیه در ماه قوس سال جاری اتفاق افتاده است؛ اما هنوز که بیشتر از دو ماه از این رویداد می‌گذرد برای پی‌گیری آن اقدام عملی صورت نگرفته است. او می‌گوید که به دلیل دوری قریه و زمستان، آنان نتوانسته‌اند هنوز به ساحه بروند و قضیه را از نزدیک بررسی کنند.

در همین حال، سنت الله تیموری سخنگوی والی تخار می‌گوید که برای بررسی هرچه زودتر این قضیه هیاتی از سوی مسوولان این ولایت موظف شده است تا موضوع را به صورت جدی پیگیری کند.

سخنگوی والی تخار به نقل از بانویی که از سوی مردم محل محکمه صحرایی شده است، می‌گوید که او با باز شدن راه مواصلاتی در فصل بهار به مرکز این ولایت خواهد آمد و شکایت خود را به نهادهای عدلی و قضایی خواهد سپرد.

با این حال، که رزم‌آرا حواش، رییس امور زنان ولایت تخار به هشدار می‌گوید، که اطلاعات این قضیه هنوز تایید نشده است و جزئیات دقیقی در دست نیست. به گفته او، این نخستین محکمه صحرایی در ولایت تخار در جریان امسال است. در حالی که از این قضیه بیشتر از دو ماه می‌گذرد، اما مسوولان محلی با بهانه کردن دوری راه و بند بودن آن در زمستان می‌گویند که هنوز به این قضیه رسیدگی نتوانسته‌اند و حتا اطلاعات دقیقی هم ندارند. گفته می‌شود که ولسوالی چاه‌آب یکی از مناطق نسبتاً ناامن در این ولایت است.

محکمه صحرایی در افغانستان پدیده‌ای تازه‌ای نیست و پیش از این... ادامه صفحه ۶

## طالبان یک زن را در غور خفه کردند



طالبان در غور، یک زن را با همکاری برادرش از خانه شوهر فراری داده و او را به قتل رساندند.

محمدآقبال نظامی، سخنگوی فرماندهی پلیس هرات به جمهوری‌نویز گفت: چندی پیش طالبان یک زن را به همکاری برادرش در روستای «یخن سفلی» ولسوالی تیوره ربودند.

پس از ربودن این زن، طالبان او را شب هنگام در کوه خفه کردند.

به گفته سخنگوی پلیس غور، دو تن از طالبان به شمول عبدالظاهر خاکسار، یکی از فرماندهان این گروه در قتل این زن دست داشتند.

آقای نظامی می‌گوید: پلیس نتوانسته این افراد را بازداشت کند.

همراه با آنان یک میل سلاح، دو عدد ماین، دو پایه مخابره و یک بم دستی به دست پلیس افتاده است.

سخنگوی پلیس غور افزود که آثار خفگی بر روی بدن فرد مقتول دیده می‌شود. پیش از این هم بارها چنین رویدادهای عجیب و خونین برای زنان و دختران غور اتفاق افتاده که نظیر آن کمتر در دیگر بخش‌های کشور گزارش شده است.

حالا میتوانید تازه ترین خبرهای افغانستان را از طریق SMS پژواک به دست آورید

روزانه	برای پشتو ۵، برای دری ۶ و برای انگلیسی ۷ را به ۵۱۲ ارسال نمایید	۲ افغانی
هفته وار	برای پشتو ۸، برای دری ۹ و برای انگلیسی ۱۰ را به ۵۱۲ ارسال نمایید	۱۰ افغانی
ماهوار	برای پشتو ۱۱، برای دری ۱۲ و برای انگلیسی ۱۳ را به ۵۱۲ ارسال نمایید	۳۰ افغانی

این پیشکش در نسیم کارت های سلام قابل دسترس میباشد | برای غیر فعال کردن D و کد بسته ناآرا به ۵۱۲ ارسال نمایید